

و استه از جانب سنی بچو است طو کانه یک ثوب عبا  
 ترسد و رح او بجهت ارسال کردید  
 عالیجا جعفر خان کاجی را که جناب امیر الامرا العظام  
 از کابل با عرضه بخاک پای جان فرستاده بود در روز  
 شنبه و از دسم اینماه از خاک پای جان یون مرخصی حاصل  
 خلعت و انعام شایسته در حق او کسر انش محبت  
 و موازی یکثوب جبهه ترنه پو لک و در ششم بر صبح و یکس  
 اسب عربی بسیار ممتاز اعلی از اصطبل خاصه بانعام زین و  
 براق تمام طلای بسیار سنگین با جمیع اسباب برای جناب  
 امیر معزی الیه محبت فرمودید و موازی یک ثوب جبهه ترنه  
 رنجیره دار سبزه محمد افضل خان پسر جناب امیر معزی الیه که در  
 سمت ترکستان است و یکثوب جبهه ترنه رنجیره دار  
 برای غلام حیدر خان پسر دیگرش محبت فرمودید و بجا  
 عالیجا مشار الیه التفاد کردید

چون جناب جلالت اب صدر عظیم معلوم شد که کتبه  
 صنایع ترازودار غالباً سنگهای وزن سبک و سنگین  
 دارند که وقت خریدن سنگین بخرند و وقت فروختن سبک  
 میفروشند و خود مزید استقامی فرموده پنهانی آدم کاشتنند  
 و در بعضی دکاها معامله کرده صدق ای مطلب بوضوح رسید  
 هه عن نموند که سنگ آهنی هر دو موافق وزن سنگ  
 مبارک از قرار یک من ششصد و چهل مثقال بدین خوب ساخته  
 یک من نیم من یکچارک و دوسرو نیم یک سیر  
 هه ترازه دارا صنایع و از انجلا و نمس کنند که در  
 هه خریدار سنگ و هر آنرا بشناسند و ملاحظه هر آنرا کرد

معامله نمایند و باین جهت هم مردم علی الحضور فقر و  
 شکر گذاری و دعا کونی دولت قاجره را مینمایند که هم  
 این نقص از خلقت پادشاه رفع شد و هم نفع مردم

### سایر ولایات

از پایشان از وزارتیکه در روزنامه این ولایت  
 نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده والا تبار نصره  
 فیروز میرزا و مقرب انخاقان میرزا صادق قایم مقام و  
 عمام دیوانی و نظم ولایت و رفاه رعیت سعی و  
 دارند در ایام ماه مبارک رمضان هر یک از علماء  
 دیدن نموده و توقیر و احترام آنها را مرعی داشته اند  
 و امالی آنولایت آسوده خاطر در مساجد و معابد بعبادت  
 و طاعات و دعا کونی ذات اقدس بکس مایلون اشتغال  
 دارند و مقرب انخاقان قایم مقام نظر با صیقله در ایام  
 مبارک رمضان روز نایب روزه داری بخدمت  
 دیوانی رسیدگی کامل نمیشد شهاراد را طاق نظام  
 نموده و بعد از آن تا صبح با انجام عمام دیوانی در رسیدگی  
 بکار رعیت و ولایت مشغول بوده اند

دیگر نوشته اند که بجهت فی انجلا تسیری که در بعضی اجناس  
 خوی بهم رسیده بود نواب نصره الدوله دهن نموده  
 که اجناس از آنولایت بخارج نبرند و بجای خلیفه  
 و محمد آقای سرمنگ که مامور خوی بود تا کید است آکبه  
 نوشته اند که درین باب مراقب باشند حسب حکم  
 در معابر نیز آدم گذاشته اند که جنس از آنجا بخارج  
 دیگر نوشته اند که سابقاً در وقطاع الطریق در بعضی جاها

۱۱۶۳

انواعیت بسیار بود که از قراریکه نوشته اند درین کتاب  
از اتهامات امنای دولت تلیه نظم تمام حاصل است  
اعمال شهر یا طرق و شوارع در هیچ جا سرت و دزدی  
اتفاق نمی افتد و اگر بدست سرت یا خلاف حسابی  
اتفاق بیفتد در مقام رفع آن برمی آید

دیگر در روزنامه خوبی نوشته بودند که در ماه شعبان که  
فصل مقتضی باران بود در آنجا بارندگی نشد و مردم  
بمعنی قسوس کلی استند چند نفر از درویش که در یک  
فقر بودند بجهت استغاثه و طلب باران بعضی رفته بود  
از تفضلات جناب باری تعالی باران زیاد از وقت  
بکرات آمده و می آید و بر حسب بارندگی شده است که تیار  
قدیم رسایل آمده و خواب کرده است

از قراریکه در روزنامه مختلف نوشته اند در اواسط  
ماه رمضان المبارک در بمبای انقلاب بسیار رسیده و  
بارندگی زیاد شده بود و بعد از آن بخاری از بعضی کرمها  
آنجا مضماعه گردیده احوال بعضی امراض حاده و عاره  
از قبیل غلبه خون و سودا و تب و لرز در میان مردم نمود  
و بسیاری از اهل آنجا باین امراض مبتلا گردیده اند  
اما اغلب معالجه میشوند و صحت می یابند

دیگر در روزنامه آنجا نوشته اند که زنی دیوانه بیابان کرد  
چند سال در آن حوالی بوده است بشدت مصروع و عا  
از عقل و شعور درین اوقات کسان او را در صحرا بسته  
و بقیه شریفه اما مزاده دانیال که در نزدیکی هر آباد واقع  
انداخته و در بقیه را قفل کرده بودند صبح که مجاورین  
رفته و بقیه را گشوده بودند ضحیفه مزبور را در کمال صحت

و عقل و شعور دیده و بخانه همش برده بودند و اب عیاضی سوزنا  
مسجدی در آنجا بنا که ساخته که مردم در حواله اما مزاده  
مشغول عبادت باشند

فوج شکره قاپوی تراج داغ ابوالجمعی عالیجاه محمد علیخان  
سرتیپ که احضار بر کاتب هایون شده اند مترب انخاقان  
قائم مقام قرار داده است که در پانزدهم شوال در  
تبریز حاضر شده موجب خود را از اطراف نظام دریافت  
نموده تا آنکه خود را ببینند

فوج پانزدهم شقای که مشغول حفظ حراست قراول خانها  
شهر تبریز بودند درین اوقات مرخص خانه گردیده اند و فوج  
حکمال را بجای آنها در قراول خانها گذاشته اند و همچنین  
فوج شانزدهم شقای جمعی عالیجاه حجت الله خان  
سرتیپ را نیز احضار به تبریز کرده که در جای فوج پانزدهم  
شقای جا در زنده بنشینند

دیگر نوشته بودند که در روز عید فخر نواب شاهزاده و اب  
نصرت الدوله بقاعده معموله سلام نشسته و مترب انخاقان  
قائم مقام و خواجه و صاحب منصبان نظام و اهالی و  
اعیان حاضر شده و اجرایی شلیک توپ نموده و بنا  
نامی علیحضرت پادشاهی خطبه خوانده شده بابل سلام  
شریعت شیرینی داده اند

دیگر نوشته بودند که مترب انخاقان قائم مقام شقای  
آذربایجان را در وقت خانه آذربایجان بجهت تسکین  
جزه اسنند بارس نیل آذربایجان جمع نموده هر روز  
در حضور مترب انخاقان مشارالیه مشغول نوشتن و تسکین  
مزبور میباشند

۱۱۶۴

### کرمانشاهان

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند حاجی محمد  
 رستی که غزنیست که داشته است در خارج شهر کرمان  
 در سرد مقبره که محل انداختن قوافل و زوار است در میان  
 قافله حاج منزل داشته است با اینکه غلامان ابروانی  
 که مستحق حاج بوده اند تا صبح مشغول کشیک بوده و  
 مراقبت را بجا آورده اند صبح مذکور داشته است که یک  
 ابریشم من که وجه نقد نیز در میان آن بود مفقود شد  
 بعد از تجسس بار ابریشم را در آنجا با صله چهل پنجاه  
 وزع پیدا نموده اند و کفن میگفته است که بیت و شرف  
 نخواه مر از میان بار مر بزرگ برده اند چون در آن بیت  
 زیاده از مالی شهرت یافت حاج رفته بودند آنچه  
 نمودند یکی مکان این مطلب زفت لهند نواب مستطاب  
 و الا تبار عماد الدوله حکم آن کرمانشاهان از خود مبلغ  
 بیساج مشارالیه داده اند تا بعد تقص درین امر نماید و چون  
 در سرد مقبره محلی که زوار منزل مینمایند متصل به باغات  
 کرمانشاهان و اطراف آن بلندها و پستیها دارد که ترا  
 مردمان دزد و شریر راه فرار و پنهان شدن اسان  
 لهذا نواب عماد الدوله در آنجا قراول خانه گذاشته است  
 که بیت نفر سر باز و یک نفر نایب حید در آنجا باشند و  
 شبها قوافل رایج نموده متوجه شوند که در خارج شهر  
 و شرارتی واقع نشود و زوار و قوافل ازین رنج آسوده  
 باشند

و بگر نوشته اند که امورات شهر کرمانشاهان از اتهامات  
 نواب شاهزاده عماد الدوله در نهایت انتظام است و کمال

انیت حاصل است بطوریکه اغلب کسبه شبها و کاکین  
 خود را در کشود میگذارند و دزدی و خلاف حسابی تخلفاتی  
 نمی افتد و مدتی است که حسب احکام نواب شاهزاده عماد الدوله  
 در اول سر با رسم از محلات برداشته شده است  
 و همه مردم در رفاه و آسودگی و انیت تسخیر و کار خود و  
 دولت علیه اقدام دارند

و بگر نوشته اند که از قدیم رسم بوده است که از طایفه  
 یهود که بغزنیست زیارت بیت المقدس یا ذی الکفلیست  
 در شهر و ارالدوله و منازل عرض راه از جرنفری و و هزار  
 دینار باج میگرفته اند که شهرنفری از یهود و شهر و منازل  
 عرض راه یک تومان گرفته می شده است بعد از آنجا  
 و بگر نیز با نامی شده است چون نواب شاهزاده عماد الدوله  
 اتهامات اولیای دولت علیه را در آسایش عموم بخود  
 علیه قضیه در این امر خلاف انصاف دانسته اند از میان  
 که گ و شهر و باج کبر ان حسب منازل و مباحترین بلوک  
 التزام گرفته اند که بهیچ وجه متعرض طایفه یهود نشوند و دنیا  
 از آنها مطالبه ننمایند که مثل سایر رعایای این دولت  
 علیه در اسحال و آسوده خاطر بقصد عبور و مرور کنند

فوج کلبانی ابو الجحیی نواب علیقلی میرزای سر قیپ و حاکم کلبانی  
 در خارج قصبه سقندرت دو ماه بوده که مشغول مشق  
 و محمود آقای محترم را که بجهت مشق آنها تعیین نموده بوده اند بسیار  
 ساعی و جاهد و با استقامت بوده است که مشق آنها کامل شود  
 و از فرار یک نوشته بودند بسیار خوب از عهد مشق آنها بر آمده است  
 و درین وقت قلیل قلی کالی کرده اند

۱۱۶۵

### اخبار دول خارجه

#### احوال متصرفه شخصي در مملکت انگليس زورق

ساخته است بجهت شين مردم يا حمل و نقل قشون در زمان  
 رودخانه مثل ساير زورقها و پيش بازا است و با بار  
 راه ميرود و اين زورق را از شمع ساخته اند و زيرش مثل  
 تو شك بادي است و قتي که بازمي گسند با و بمياشني  
 و ميگذارد که با ب فرود رود و دولت نغمه ميتواند در سا  
 او بنشيند و کيچا ريك در ميان آب فرومي نشيند يك عراده  
 توپ نيز در مياشش ميتوان که نشيند

ابو سمره که یکی از سردگان امير عبدالقادر بود در جزيره آ

در سنکامی که در مغرب زمین با فرانسها جنگ داشت

و بعد از آن مدتی در فرانسه محبوس بود درین روزها

او طلب شده است که با سلامبول آمد به قشون سلطان

ملحق شده خدمت نماید و از وظایف خودش قشون جمع کرده

با سلامبول سایه و اخراجات این قشون کلاً از دولت

فرانسه است

از جمله کاشمانی که در روز عید خلق سجد آن در سپاهبول

جمع می شوند جنگ میان حیوانات وحشی است درین روزها

ازین حیوانات از ولایات خارج آورده اند و بنا دارند که

در اینجا جنگ بیند از جمله گفتار با سگهای شبانان

و ببر با کاونرو این حیوانات را هر یک در نفس علیحد پنجاه

و نگذاشته اند با انسان پس بگرد تا بحالت سباعیت

مانده باشند  
 از جمله آنکه قشون که در مملکت فرانسه دیده اند بجهت  
 صاحبان کارخانه های ماهی که کرده اند که شصت هزار ذرع

برای قشون افواج خاصه بخرند و این ماهوت را از کارخانه  
 شهرهای سین و الوونگ بویز خریدند

در یکی از روزنامه های وینیه که لایه مینامند در خصوص مملکت

سرویه که سرتب نیز مینامند و یکی از مالک کوچک سرحد فرانسه

تا بح دولت عثمانیه است نوشته اند با اینکه این ولایت کوچک

معلوم میشود که مرزهای خود را بکسی میدهند و قشون نیا و میتوانند که

بر پانامیند ولایت فر بورنچ بلوک است و قشون بلابی که

الآن دارند چهل و شش هزار پیاده و شش هزار سوار و شش

توپچی و صد و پنجاه عراده توپ و در هنگام ضرورت زیاد

ازین هم میتوانند جمع نمایند

بزرگ خبر اینجا مملکت فرانسه حسابی نوشته است در خصوص

مبلغ نقل پول مسکو از طلا و نقره و مس در کل دنیا از جمله در میان

پول است که بسیار سنگین وزن است در مملکت بلکی و دنیا

شمالی پولی از طلا دارند که حبت و پنجمان و شش هزار قیمت

و در فلانس پولی طلا دارند که هر عددی هفتده تومان پولی

قیمت دارد و در پورتو قال هم پول طلا دارند که بیست و پنج

پیدا است پول طلائی دارند که پانزده تومان قیمت دارد

در مملکت آند نیز پول طلائی دارند که شش طلا مینامند و با

تومان و دو هزار دینار قیمت است و در نا پولی پول طلائی دارند

که دوازده تومان رواج است و در سار و نیه پول طلائی

دارند که هر یک ده تومان قیمت دارد و در فرانکستان پول

طلا که از همه کوچکتر است باین تفصیل است پول طلای روسیه

هر یک پنجاه و پانصد دینار و پول طلای فرانسه هر یک

پنجاه و دینار و پول طلای پورتو قال هر یک سه هزار و پانصد

۱۱۶۶

سویدن هر یک دو هزار و پانصد و سیار رواج است

در یکی از روزنامه های ایتالیایی نوشته اند که جماعتی از سنیان

سیرکوه سوئد را و سوئیس رفته بودند یکی از آنها قدری

نزدیک بهین آنجا که آتش بالای آید رفته بود ناگاه زیر پایش

فرورفته و به تنوره شش افتاده بود بلند که مسراه او بود

طناب بگر خود بسته و پانین کودی بگرفته او را بیرون آورد

بودند اما از شدت حرارت تلف شده بود

در خصوص گفتگوی مابین دولت اسپانول و دولت سنی

شمالی در روزنامه ها که تازه رسید نوشته اند که دولت اسپانول

از تکالیف موسیو سولا وزیر مختاری سنی دنیا معین می شود

قبول کرده اند و از بعضی تکالیف دولت سنی دنیا معلوم بود

که میخواهند تعدادی به دولت اسپانول بکنند یکی از تکالیف

دولت سنی دنیا شمالی این بود که حاکم جزیره کو به عرض شود

بسیب سنیکی از کشتیهای سنی دنیا شمالی را در آنجا نگاه

داشته بودند انسانی دولت اسپانول در جواب این مطلب

گفتند که در نگاه داشتن این کشتی حاکم جزیره کو به حق داشت

و سایر تکالیف وزیر مختار را نیز قبول کرده بودند در جزیره

کو به دولت اسپانول بیت و پنجاه قشون داشتند

شهر که بزرگترین مملکت خودشان میباشد تا ارک میدیدند که

قشون بری و سجوی کشتیها باز سمت آن جزیره بفرستند

در ایام قدیم اگر خاک سنی دنیا و جزایر آن سمت در دست

اسپانول بود و آن در مسکنام جلال و استقلال دولت

حالا چنانی در دستشان نمانده است که جزیره کو به جزیره

کو چکی که بر توریکیه میباشد حال در سر این جزیره که از آن

حاکم زیاد در دست دولت اسپانول باقی مانده است

خوب استاد کی می کنند و ولتین انگلیس و فرانسه هرگز

راضی نیستند که این دو جزیره به دست دولت سنی دنیا

شمالی بیفتد

درین روزها در زمان بحری در آق و کینه و سمت مملکت یونان

زیاده شده اند چند کشتی تجاری انگلیس به دست این وزدان

افتاد است نزدیک کشتیهای جنگی میروند و لکن و

کشتی تجاری می بیند میروند و ماحت و غارت می کنند

و آرمها را که در میان کشتیها هستند می کشند و از اسمیرنا

نوشته اند که کشتی از لنگرگاه آنجا نمیتواند بیرون برود

مگر اینکه کشتی جنگی مسراه او باشد که او را محافظت نماید

از اینجه بعضی از اهل انگلیس به دولت خودشان عرض کرده اند

که پادشاه حکم کند چند کشتی جنگی تیزرو بان بفرستد

که محافظت کشتیهای تجاری را بکنند که از حدت در آن

ممنوعه باشد

در مشورتخانه مملکت بلژور باب عهدنامه پین و ولتین

و انگلیس تازه بسته شده است سجت و مکالمات نموده

و اهل مشورتخانه از وزیر دول خارج خواهش کرده بودند

که مضمون عهدنامه مذکور را ایشان بیان نماید او نیز

عهدنامه را بجان بجان ایشان حالی کرده و گفته بود که

بسیار جای فخر و شادمانیت که مملکت بلژور هیچ غلت

باین جنگ که الان در فرنگستان است نگزیده اند و مملکت

بلژور با هر کس صلح و دوستی وارد و در مکنامی که دول

و بگردانک جنگ میدیدند اهل بلخ مشغول کار خود میباشند  
و دولتین انگلیس و فرانسه قرار داده بودند که نسبت به  
اهل بلخ که در روی کشتی میگذازند و در روی دریاها  
خارج میفرستند مخالفت را ننمایند و انسانی دولت  
بر عایای خود سپرده بودند که بچنگ و خن و تصرف

موسیو و پتر ایلچی از جانب امپراطور استریم در پای  
فرانس درین روزها مورد التفات اعلیحضرت امپراطور  
فرانس گردیده و نشان تاج آهن با ایلچی فرانس  
کرده اند

و سحاصی که در خصوص کرانی نان اعتناش نموده و  
انهار گرفته و محبوس کرده بودند درین روزها هر یک  
نسبت تقصیر خودشان تنبیه شده اند اما تنبیه ایشان  
جزئیست همین قدر کرده اند که ضرر خستاری که در اعتناش  
مربوط بخلاق رسیده بودند از آنها گرفته اند

کریمی بالندی نام که در ایام اعتناش حکومت ایطالیان بزرگ  
یاغیان بود و بعد از آن صاحب کشتی تجاری شده بود و  
گذشتش از محل بقتل بارهای تجاری بود درین روزها  
بر آن دیکتاتور حکومت پیداست برگشته است و یکی از  
انسانی ده لت پادشاه سار دینه بر روی کشتی که  
در حمایت بیدق سکی و نیای شمالی است رفته بود که  
ببیند و معلوم غیب که کریمی بالندی دوباره و خن و تصرف  
بکار دولتی بکنند یا نه

چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است کشتیهای  
سکی و نیای شمالی که بکلت بیان رفته بودند با اهل بلخ

عهد نامه بسته بودند و در حضور تجار و بعضی مطالب  
و بگردانک داشتند از جمله یکی از مطالبی که داشتند این بود  
که نسبت با اهل سکی و نیای شمالی که بجهت عرق شدن  
کشتیها یا طرفان دریا که لایزالان ولایت می آیند ظلم  
انگیزی از اهل آن ولایت با آنها شود حال خبر داده است که  
مطالبی را که اهل سکی و نیای داشتند اهل بیان قبول کردند  
و اینهم معلوم شده است که اگر اهل بیان مطالب اهل  
سکی و نیای را قبول میکردند با آنها جنگ میگردید و بزور  
بگردان آنها می کردند

در روزنامه هندوستان نوشته اند که بخبری که دولت  
انگلیس در رودخانه گنگا تا زده تمام کرده اند در ششم  
ماه رجب مفتوح شده است بجهت حمل و نقل اذوقه و بار  
تجارتی و تردد سیاح بسیار بکار اهل آن مملکت آمده است  
دولت در بندر بوزیر نزدیک بهفت کرو پول ایران خراج  
کرده بودند و لکن زیاد بکار خلق می آید کشودن این بند  
و کشودن راه آهن که درین اوقات بر راه انداخته اند بجهت  
تردد و نقل منفعت زیاد بحال اهل هند و آن خواهد کرد

از چین خبر داشتند که یاغیان نزدیک به پای تخت  
رفته بودند و کمان میزدند که قشون پادشاه چین در  
پیش روی یاغیان بتواند و اوام نمایند

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که قشون انگلیس  
فرانس نزدیک به اشنیز پای تخت یونان از دوزده  
و هفتاد بودند و در چپا و شاه یونان آورده بودند که  
قدحی کند که از عایای خود شش بیچکس و خن و تصرف  
درین جنگ کند

شویز بنس الچی اینجانب دولت پر وسینه که مدتی مقیم لندن بود درین روزها از لندن مراجعت بولایت خودش کرده است

در فصل بهار گذشته در شهرهای نیویارک و فلیپه و با و سایر شهرهای مینکی دنیای شمالی بسیار سخت گذشته است و از فرار کاغذها که از اینجا نوشته اند بجا بعد از چند روز در آنجا باریده بود و معلوم بود که رستمان در سبزه سبزه بود و این جهت که گویهای پنج میان دریا و سمت نیکی دنیای شمالی جنبی دیده بودند

از جمله وزوینها که درین روزها اهل یونان از کشتیهای خود انداخته گشتی که دنبال سنگی بار کرده بود و از حالت باسلا بول می آمد گرفته اند و هر آدم در میانش بود کشته اند

و برودول خارجة مملکت بلژیک کرده است که بجهت زد و اهل بولایت بملکت براریل بنیاد دارند و بعد معین گشتی از اینجا بولایت مزبور روانه بکنند و اخراجات روانه کردن گشتی از دولت میدهند

از جمله احکام تازه که درین روزها در مملکت فرانسه کرده است این است که بعضی افواج خاصه رالقب قدیم داده اند و لقب است که در ایام دولت ناپلیان بزرگ داشته اند و در زبان فرانسه گرد امپریال میگویند یعنی فر اول خاصه است

باز درین اوقات در شهر نیویارک شش افتاده بود و لکن تفصیل از در روزنامه نوشته اند مگر اینکه از افتادن در

سبزه در نظام شش خاموشی کن گشته شده و چهار نفر زخمی کرده اند طوفان زیاد و در آن سختها شده بود و یک کشتی در آنجا غرق شده بود که دوست نفر در میانش بودند که از این دوست نفر کی خلاص شده بودند کشتی هم غرق شده است که در نفر در میانش بودند از این نفر یکی خلاص شده است کشتی دیگر غرق شده است او هم که در میانش نشتی بودند بسلامت بیرون آوردند اما بارها که در میانش بود زیاد نشتی شده بود

عمومی امپراطور استریموافق و زمانه و بنه درین روزها بملکت انگلیس خواهد رفت

کمان دارند که در مملکت انگلیس کمرکس که از ولایت خارج می آوند درین روزها زیاد خواهند کرد و در ولایت انگلیس در هر شهری در کمرکس انبارهای بزرگ میسازند بجهت کشتیهای تجاری و این انبارها مال دیوان اند تجار اون دارند که هر قدر که کجا باشند در آن انبار باشد و اجرت جزئی بدیوان میدهند شهر برستل شکر زیاد و در بارهای مزبور بود تجار چونکه شوش کرده بودند که بعد ازین دیوان کمرکس شکر را زیاد نمایند درین روزها اکثر این شکر از انبارها آورده اند و در یک هفته بیست هزار تومان بدیوان از با بگت شکر مزبور شده بود

اطلاعات

کتاب موم بشتاب ناقب فارسی تالیف جناب نظام العلماء چاپ شده در امامت دروکان آقا علی صحاف در جنب مسجد جامع فروخته میشود هر نسخه شش هزار دینار

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۰۲

نزهت و شاد و دو

قیمت روزنامه

یک نسخه ده هرگیله

هفتاد و چهار هزار



منظومه دارالخلافه طهران

صفت اعلانات

یکسره اخبار کبیر دنیا

بسیار با هر طرز اخبار

## اخبار و احکام محروم پادشاهی

### دارالخلافه طهران

افواج قاهره نظام متوقف دارالخلافه مبارکه که در ایام ماه مبارک رمضان حسب الامر از مشغولین بودند بعد از ماه مبارک رمضان همه روزه بقرار سابق مشغول میشوند و معطلین و صاحب منصبان نهایت سعی و اهتمام را در مشغول آنها دارند

سواره شامسون قورت بیکو که احضار در برابر کالیون شده بودند درین روزها بر کالیون حاضر گردیده و لشکر زبان عظام حسب الامر آنها را دیده ششصد نفر همگی با اسب و اسلحه و اسباب کامسان داده نامدر خدمت خراسان گردیدند و این روزها روانه میشوند که در آنجا مشغول انجام خدمات محوله بخود باشند

هوای دارالخلافه طهران درین روزها با قضاوی فضل متری گرم شده است و لکن چند آن شدت بظهور که در بعضی سالها داشت ندارد چند روز است که

فی الجمله با دگر کم در شهر وزید است و لکن در ویران که مرکب کالیون تشریف دارند و سایر شمیمانات هوای بسیار خوب است خصوصاً شبها که بسیار خوش است

امورات دارالخلافه طهران از اتمامات امنای علییه در کمال انتظام است و چاکران دیوانی در رعایت مرکب کالیون هر یک در انجام خدمات محوله بکوشند

سعی و اهتمام را دارند و جمیع سکنه دارالخلافه از کسبه و اصناف و غیره مرفه و آسوده خاطر هر کس بکاره کسب خود مشغول و کسی قدرت حرکت خلا فی ندارد و اگر بندرت کسی مرکب ممرات یا

خلاف حسابی شده باشد تقبیه کامل سبکزدانان کولات و غیره دارالخلافه بجهت اعداد هر چیزی فراوان و ارزان است چون آب درین اوقات بیشتر در زراعات و باغات بیرون شهر مصرف می شود چاکران دیوان درین باب اهتمام نموده اند که حقایق شهر دار و بقاعده رسیده بجلالت تقسیم شود که اهل شهر کم نمیکنند

چاکران دیوان درین باب اهتمام نموده اند که حقایق شهر دار و بقاعده رسیده بجلالت تقسیم شود که اهل شهر کم نمیکنند



### سایر ولایات آذربایجان

از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته بودند امر آنکه  
 از استقامت نواب مستطاب شاهزاده والا بتبار نصره  
 فیروز میرزا نایب الایاله آذربایجان و مقرب الخاقان  
 میرزا صادق قایم مقام کمال نظم دارد و مقرب الخاقان  
 مشارالیه در رسیدگی بامور مردم و انتظام امر قشون  
 همواره نهایت اهتمام وارد و عالیجاه تیمور پاشا با  
 باگو و اردو و ارباب سلسله تیر نشده مقرب الخاقان قایم  
 سان آنها را دیده و مواجبتان را در اطاق نظام آنجا  
 داده اند که روانه دار استخلا فوسب که شده بر کاتب

بیانند

عالیجاه حاجی شریف خان که از دربار هاپون مرخص  
 شده با دزد با بجان رفته بود که بر حسب صوابد  
 شاهزاده نصره الدوله و مقرب الخاقان قایم مقام  
 مقصدی خدمت حکومت شود از قراریکه نوشته بودند  
 حکومت ارومی را با او و گذار کرده روانه داشته اند  
 که رفته مراقب نظم امور ولایت باشد

از قراریکه نوشته بودند امسال در آذربایجان بموت  
 سردخت کم است و از سر حسیلی آفت و آسیب  
 بیوجات رسیده است

### استرآباد

از قراریکه در ضمن تحیرات استرآباد نوشته بودند  
 از اهل تربت عیسی خان از مقصد و پنجاه تومان بیجا  
 مال حاجی علیسنجی نام کاشانی را در راه عراق  
 بوده و فرار با استرآباد رفته بوده است یک نفر

سید مکاری برای جستجوی اموال مسروقه با سرتیپان  
 رفته مراتب را بقرب الخاقان محمد ولیخان بیکر بیکی  
 حالی کرده بود عالیجاه مشارالیه هم در صد و نقص  
 مال برآمده بود بقاصد و سه ساعت سارق را  
 با اموال مسروقه دست آورده با تمام فرستاده است  
 که آورده در طهران تسلیم حاجی علیسنجی کاشانی

### پروچرو و عربستان

از قراریکه در روزنامه پروچرو نوشته بودند نشان  
 هاپون که با فقار نواب مستطاب شاهزاده والا بتبار  
 خان میرزا رحمت و انقاد کرده بود و در دوازدهم ماه  
 با بجان رسیده نواب مغزی الیه با خوانین و صاحبان

و اهل و اعیان ولایت تا باغ شاه با استقبال شامه  
 لوازم توقیر و احترام را معمول داشته اند و نشان  
 زیب و آویزه پیکر اعتبار ساخته اند و بجهت احترام اجرای  
 شکیک نموده بیت و یک تیر توپ از اختتام  
 داده اند بعد از ادای خطبه بنام هاپون علیحضرت پادشاه  
 و تقدیم شکرگذاری صرف شربت و شیرینی نمود به شکر حضرت

کرده اند

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته بودند جمعی از  
 بجهت ساکن که کیلویه بجهت غارت رعایای دانات را  
 آمده بودند عالیجاه شیخ فارس خان خبردار گردیده جمعی  
 سواره سمره برادرزاده خود فرستاده و نفرات  
 مقتول و سه نفر زخمی شده اند و مابقی فرار کرده

از انتظام فوج امرالی لرستان که در سرحدات آنجا هستند

نوشته بودند که بسیار با نظم حرکت می کنند و جایگاه  
میرزا ابوالفضل مایه یکدفعه سان آنها را دیده صورت  
آنرا نیز نواب برادر احتشام الدوله روانه سینما بد  
در انجام حدت دیوانی نهایت تمام را محمول میداد

دیگر نوشته بودند که درین اوقات در محضره پنج شش  
آتش گرفته بود چون خانها را در آنجا بقاعده که اعراب  
دارند اغلب ازنی عیاشانه از خانه استاد عبد الله نام  
خان آتش برور کرده و بیچ خانه دیگر سربت کرده بود  
مردم جمع شده آتش را خاموش کرده بودند و از  
سباب خانهای مرفور نیز هر قدر که نوشته بودند  
بیرون آورده و کذب نوشته بودند آن بی گنایان

### کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند  
عبد الکریم پیک غلام شیخ مت که از فرار حکم انسانی  
دولت علیه بجهت تحقیق رسیدگی موجب سربازو  
سواره کرمانشاهان مامور بود با بنجا رسیده و نواب  
عماد الدوله حکمران کرمانشاهان نامی سرباز سپاه  
صاحب منصبان و سررشته داران را حاضر نموده  
درین باب مشغول تحقیق و غوررسی بودند تا آنچه معلوم  
کرد در بعضی امسای دولت علیه برسانند

دیگر نوشته بودند که قبل از ماه مبارک رمضان یک  
بار تجارنی از قبیل چادریب رزی و غیره از شخصی از اهل  
منلیج در منزل طاق کبری سرت نموده بودند مشار  
بر کرمانشاهان آمده و مراتب را بعضی نواب عماد الدوله  
پتار کرداران قیوم شده بود که در مقام قیوم برآیند بعد از

چهل روز عالیجاه فتح اللدخان فرسبایشی نواب  
در کوجه دو تخته از آن چادر شبها و روست شخصی دیده  
که میفرود شد قیمت آنها را پرسیده بود آن شخص گفته بود  
بسی تو مان میفرودشم شارالیه چون دیده بود که چادر

یکی هفتاد تومان ارزش دارد نفوس اینمندی را کرده  
بود که باید مال وزدی باشد که با بیع سررشته قیمت آنرا  
ندارد در مقام تحقیق برآمده بود آن شخص مذکور نوشته بود  
که من این چادر شبها را از دو نفر کرمانی خریده ام صاحب  
مال را آورده بودند چادر شبهای خود را شناخته بود  
نواب عماد الدوله محصل فرستاده اند که رفته از کر  
آن دو نفر سارق را حکما با بقیه اموال مسروقه پیاد  
که مال بصاحبش تسلیم حکم سارقین هم بعد از اجتناب

شود

دیگر نوشته بودند که عالیجاه عباسقلخان سیرت فوج  
در این اوقات وارد کرمانشاهان شده سه روز  
توقف کرده و بعد از آن با فوج خود روانه بر وجه شده بود  
که نیز نواب احتشام الدوله برود

### کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته امیرالاعظم  
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان سواره اوقات  
در اشطام امر آن ولایت نهایت مراقبت را دارند چون  
بجهت گرمی هوا اکثر مردم از دما ت شبها برای معاطه  
بشهر می آیند امیرالاعظم سیرت فوج نرسوار معین  
کرده اند که در بیرون شهر در سردارها گردش نمایند که  
مبادی حسنی و خلاف قاعده اتفاق

باشد ناشی و صادر نمی شود

از قراریکه نوشته بودند این روزها در سرای کجلی خان بنای تعمیر گذاشته بودند سردایه در زیر عمارت ظاهر در آن سردایه دو کله آدمی دیده بودند که از سرهای اهل این زمان بزرگتر بوده شخص زارعی که یکصد سال تجاوز کرده است گفته بود که در ایام محاصره کرمان دو نفر بقال مؤمن قوی بیکل درین سر مشغول بقالی بودند بعد از افتتاح ابواسمیر که قشون خاقان شهید آقا محمد خان طایب شاه بنای قتل و غارت گذاشته بودند افاغنه لبرای کجلی خان ریخته آن دو نفر بقال را با سایر اهل آن سر مشغول بقالی

از قراریکه نوشته اند امیر شایباف خانه کرمان زیاد رواج دارد و امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان قدغن کرده است که احدی از تجار و سکنه کرمان شال کشیری داد و ستد نمایند از پنجه امیر شایباف خانه آنجا خیلی رونق دارد و استادان شایبافخانه خوب از عمده برمی آیند و هر وقت طرح قوتان بیرون می آورند و سردار رسم باین ملاحظه در باره هر یک از استادان بزبور نواریش کرده همواره قشون و ترعب بنامید

درین دو کله از آن دو نفر بقال می باشد امیر الامراء العظام سردار قدغن کرده بود شایبافخانه و او فوج

دیگر نوشته اند که از اتهامات امیر الامراء العظام سردار حلق و شوارع و سرحدات و دینجات کرمان نهایت

از قراریکه نوشته بودند قشوناتی که در کرمان سا بقایان باد و سیلاب خراب شده صاحبان آنها از بی ا

اقت را دارد و قشوناتی که از یزد و فلدکس و بستان و راهها

توجه آبادی نوشتند امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار بلاحظه اینکه رعیت از دست زود و مال دیوان سو

زیاده از حد تصرف کرده اند اهل بستان مذکور ساخته بودند که شخصی دو تومان وجه نقد داشته در قراولخانه

نمکند هر یک از صاحبان اطلاق بقدر کفاف تنخواهی داده اند که مشغول آبادی قنات بسند و ببلوکات

پوشش نیست با اهل قافل بنای مشاجره گذاشته همگی قسم یاد کرده بودند که خبر نداریم بعد از آنکه خاطر جمع

نوشته اند که بقدر ضرورت و عجله چرخ اندازند

شده بود در جهت بقراول خانه کرده پول خود را بدون کسر و نقصان در آنجا یافته برداشتند امر اجرت کرده بود

از قراریکه نوشته بودند سال بودی برای کرمان بسیار که از اول سال الی حال عصر تا دو ساعت از شب رفته

از قراریکه نوشته بودند فوج قراکوزلو و کرمانی همه روز در میدان ارک آنجا مشغول مشق نظامی هستند و بکند آنجا

بادهای گرم شدید میوزیده که مردم متاثر می شده است و درین اوقات هوای آنجا بطریق گرم شده است که قریب

باغالیچاه اصلا سخنان یا در قونخانه عصر با در میدان آنجا مشق می کنند و از هیچیک امریکه خلاف قاعده و ضابطه

بظراحی دو ساعت از ظهر گذشته احدی در کوچه و بازار

نمی تواند کرد اغلب روزها بر می شود و لکن باران نمی آید

۱۱۷۳

### اخبار دول خارجه

### انگلیس

در مشورتخانه وکلای رنایا که بتاريخ ۲۴ ماه شعبان چاپ زده اند نوشته اند که وزیر و اهل مشورت در مشورت اجلاس کرده اند بجهت دستور العمل سال آینده و اخراجات سال نوزاد و بیت و صنعت و یک کرور بود و یک هزار و دویست تومان پول ایران بر او رد کرده بودند و این اخراجات را همه از مالیات امسال جا بجا بدون اینکه دولت قرض کند و در این باب گفتگو می کنند زیاد در مشورتخانه شده و بعد از گفتگوی زیاد دستور العمل مذکور را قبول نموده و بهمان منوال مجری داشته اند

### فرانسه

موافق اخبار روزنامه فرانسه معلوم میشود که راه آهن پاریس پای تخت فرانسه و رستیلر که شهر است در جنوب آن ولایت امسال با تمام خواهد رسید پیشتر این راه با بحال ساخته شده است اما چون قدری ناتمامی در بعضی جایها دارد دستور میشود که دستبند جان در آنجا باید میشود که از کالک بخار بیرون آید بکشتیها که در رود نشینند و این رسم رخت و معطلی زیاد دارد و همسرا بسیار خصوصاً در حمل و نقل بارها که باید چند دفعه از کانکس و ارکشی کالک حمل و نقل شود و امید دارند که بعد از تمام شدن این راه از شهر رستیلر که در کنار آق و نیکر و قصبه تانز پای تخت انگلیس در روز یکدیگر و نیم بروند اگر نخواهد درین راه خرج شده است اخلاق است که تجار و صاحبان خواه از برای انتفاع خود میگردانند و لیکن دیوان قدیم با آنها ادا کرده اند

### احوال متفرقه

در این ایام پول قدیم زیاد است شمال مملکت روس و ممالک و در دریای بالظن حبه اند و اکثر این پولها از ایام خلفای عمر ازین پولها که حبه اند معلوم میشود که در ایام جلال و استقلال خلفای عرب با ولایات تردد زیاد می شده است و تجارت بسیار در کل آن ممالک داشته اند و از کتب تواریخ قدیم معلوم میشود که در ایام خلفای مزبور طایفه عرب چند در روی دریا تسلط و بچه ولایات بعید رفته اند اما بحال معلوم نبود که بولایاتی نزدیک بحر منجم است رفته باشند یا نه در این اوقات بقدر بیست هزار پول قدیم آن ایام تا بحال از شهرها و ولایات آن اطراف پیدا شده است و اکثری طلا و نقره و سایر اسباب در آنجا پیدا کرده اند خصوصاً از جزایر اولند و کافند و در آنجا و کجا دارند که انبارهایی که در آن ایام مال التجاره با سنجایه در جزایر مذکور بوده اند

در نزدیکی شهر کپز که در مملکت اسپانیول نوشته اند که درین سال بلخ زیاد بیرون آید و خرابی بسیار رسانده است اما این بلخ از بلخ خوارکی در آن ولایت میگردند زیرا که در وقتان پیش بلخ خوارکی اتفاق می افتد آنهم گاهی اگر باشد در سمت جنوب کستان

در اخبار یکی دنیای شمالی نوشته اند که حاصل شکر از فرانسه معلوم میشود امسال فراوان خواهد شد و قیمتش در جزایر خط استوا جزئی تنزل است هنوز و پنجه و سایر حاصل کر میسر است بسیار خوب بود و چونکه از سال گذشته نیز ازین اجناس انبار بسیار داشتند تنزل قیمت آنها بهم رسیده است

در روزنامه های ایتالیا نوشته اند که فراریها که مدتی بود از

خود اخراج بلد شده بودند کم کم دسته دسته بولایت  
ایطالیان را حجت میکردند و لکن از فراری یکدیگر کشتار  
بست چاکران دیوان می افتادند پانزده نفر در کوهستان  
باین موذینه و مملکت لشکر گرفته بودند و اینها از همان دسته  
بودند که چند وقت پیش ازین میخواستند در آن ولایت آشوب و  
فغان بکنند سید قبضه تفنگ سر بازی و تفنگ دوله  
دست باغبان گرفته اند و کمان میکردند که بعضی شان از  
رشته باشند در سرحد دریا کشیکچیان و قشون که  
که مانع عبور این اشخاص باشد و لکن خبر دارند که بعضی از آنها  
از مملکت کوچک موذینه زد شده و بولایت پیداست  
در روزنامه اسپانیول نوشته اند که والله پادشاه  
ناخوش بود اول چنان میدانستند که ناخوشی آید و  
حال معلوم شده است که ناخوشی سرخجرات و چونکه این  
ناخوشی ناخوشی اطفال است در کسانی که نشان کامل است  
اگر بروز بکند خالی از تشویش نیست از دخترهای پادشاه  
نیز یکی بهین ناخوشی گرفتار است

درین روزها دولت فرانسه کشتی بخار بست بحر الاحمر  
فرستاده بود کشتی مزبور در آن دریا گرفتار شده و در  
جده آمده و از تنگنای دریا که باب المندب می نامند عبور  
نکرده بهمت کناره مملکت افریقیه میرفت ناگاه بسنگ خورد  
و شکست خیز بعد آن آمده بود و سر کرده قشون پادشاه  
و کشتی با مژاد اهل کشتی فرانسه فرستاده بود آذوقه و  
وسایل اسباب آنچه میبستند از کشتی مزبور بدست آوردند  
آورده بودند ناخوشی غرق شده بود در آن دریا

سنگها پیدا میشوند که از قسم مرجانند و بجهت کشتی تشویش  
آنها از همه زیادتر است بسبب اینکه بسیار اتفاق می افتد  
در دریای که مد ذرع یا دوست و ذرع عمیق دارد این سنگها  
مانند دیوار از ته دریا بسلا کشیده شده است و کشتی  
باین سنگ میخورد و می شکند  
در رودخانه های بزرگ نیکی دنیا یک تشویش کلی که بجهت کشتیها  
دارند از درختهای جنجلی بزرگ است که میان رودخانه  
بسبب سبیل غیره می افتد یکسره درخت در رودخانه محکم  
و سرد یکسره نزدیک بروی آب کشتی که باو میخورد  
می شکند و غرق شود از جمله درین روزها نوشته اند که در یکی از  
رودخانه های آنجا یک کشتی غرق شده است که در میان رود  
طیان و الارطاک تخمیناً دو کرد پول ایران با بود کشتی شکسته  
و غرق کرده بود لکن اهل کشتی سلامت بیرون آمده و ضد و قضا  
که طلا و ماسک بود بیرون آورده بودند

روز جلوی قیاب پادشاه سابق فرانسه مدتی بود که در مملکت  
اسپانیول توقف داشت و در شهر سول قامت نموده بود چونکه  
درین اوقات میخواست از آن ولایت بیرون برود ایچنی  
مقیم اسپانیول بجهت احترام شارالیها بیدن آورفته بود

عباس شاه حکمران مملکت مصر بنا دارد که در کوه موسوم چاراب  
عمارت بسازد و بقدر سه هزار نفر عمده در آنجا براه انداخته است  
که راهی از کناره بحر الاحمر تا کوه مزبور بسازند و عمده مشغول کار  
قصدی که در قاهره های تخت مصر داشته بجهت هزار نفر دیگر  
نظام منبسطیه درین اوقات حکم شده است که سی هزار نفر قشون  
از ولایت مصر تا زده بگردند

۱۱۷۵

# روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت کوچه ششم ماه ولعده محرم این سال ۱۳۰۶

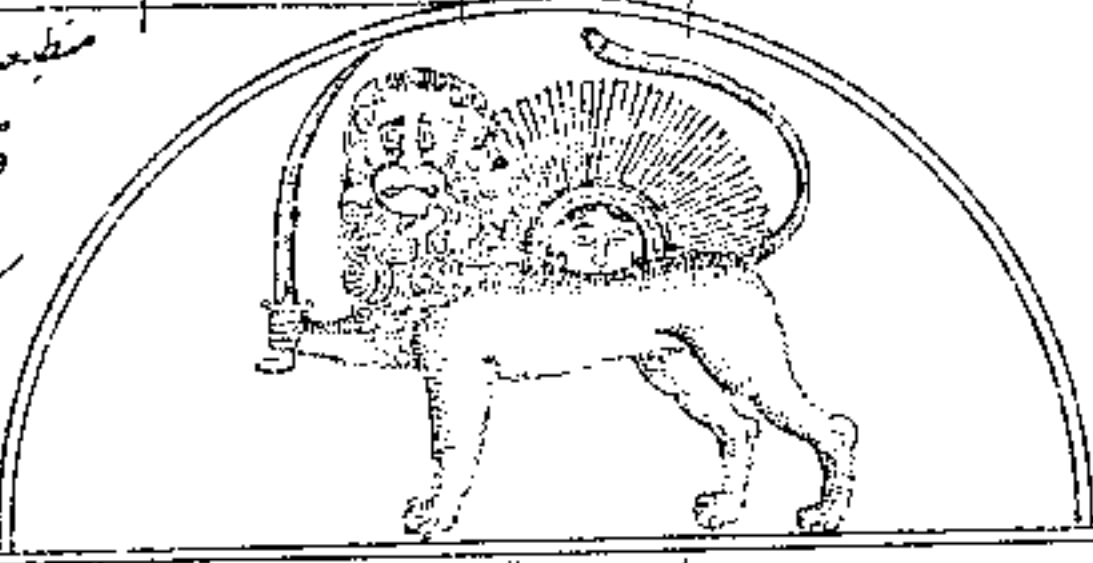
مزه صد و شانزده

منظومه دار اختلاف طهران

قیمت اعلامات

یک سطر اخبار سطر

بیشتر سطر



قیمت روزنامه

یک نسخه ده شهریکه

دو تومان و چهار هزار

## اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

### دار اختلاف طهران

در روز شنبه سیم این ماه اعلیحضرت پادشاهی عزیمت تفرج سمت در بند و آن اطراف فرمودند و ساعت از روز گذشته سوار شدند سوارشامون قوت بجای که در محله سابق نوشته شده بود حاضر کباب مبارک گردیده اند در روز مزبور در عبور موکب های این صفت کشیده بودند و بنظر اقدس شاهنشاهی رسیده ملاحظه آنها را فرمودند و سواره مزبور در تحسین و اتفاقا گردیدند و از آنجا موکب های یون بست در بند و آن اطراف شریف فرما گردید تا حوالی عصر بتفرج و سیاحت آن مشغول و جناب جلالت عالی عظم هم در موکب های یون بودند نزدیک بغروب آفتاب که مراجعت بهارت مبارکه بنیادان میفرمودند و جمال آبا و اجداد متعرب انخافان ایشیک آقاسی پاشی شریف فرما گردید به مشارالیه تقدیم پیشکش و قربانی مقدمه های یون نموده مورد التفات گردید و پادشاهی از آنجا بهارت مبارکه بنیادان شریف فرما گردیدند

از اخبار شهر چیزی نبود که در روزنامه نوشته شود مگر آن نوشته بودند در محله گذشته سه چهار نفر شربت و شراب کرده بودند آنها را گرفته بنزد نواب مستطاب شاهزاده والا اردشیر میرزا حکمران دار اختلاف طهران و توابع آورده بودند و حسب احکام نواب معزی الیه قیمت معقولی شده چون دو سه نفر از جنس کب بوده اند بعد از تهیه حکم کرده بودند که بنزد جناب اخوند ملا ابو الحسن برده در آنجا توبه نمایند که بعد از این مرتکب شرع نشوند دیگر در روزنامه شهر قیمت اجناس ماکولات غیره نوشته اند که در آخرین روزنامه مسطور میگرد

### سایر ولایات

اور پایدجان درین هفته اخباری از اذربایجان برسد  
خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند بنحینه است  
را بهار و آذربایجان از اطراف ممالک محروسه بار خندان  
آمد و مع بدو در اجناس ماکولات آنجا سعیری بهم رسید

و همه چیز فراوان و ارزانت

دیگر نوشته اند که در روز عید فطر نواب مستطاب شاهزاده  
 و الایبار فریدون میرزا فرزند نغمه ای ملکت خندان در دلو انکاخ  
 بزرگ انعقاد سلام عام داده و پرده تصویب جایون علی حضرت  
 پادشاهی را در بالای سر نواب حسنی الیه قرار داده و مقرب انکاخ  
 میرزا فضل الله وزیر نظام و سایر خوانین و صاحب منصبان از  
 میرنجه کان و شیرپان و غیره و سلام مژبور حضور بهم رسانیده  
 شلیک توپ غیره بقاعده معموله کرده و ادای خطبه بنام پادشاه  
 اعلی حضرت پادشاهی نموده صرف شربت و شیرینی کرده  
 بودند و در بین سلام فرستاده عالیجاه بزرگان و بزرگان  
 برادر مقرب انکاخان ساختمان ایلیانی بیت تیره سر از اشرا  
 ترکان باشش نفرین ترکان و در سر اسب پیش سجده  
 نواب حسنی الیه آورده و آورنده سر تا فرستاده پادشاهی  
 هر یک انعامی داده و یکشوب جبه ترمه نیز بنجه عالیجاه پادشاهی  
 فرستاده بودند

دیگر نوشته بودند که مقرب انکاخان میرزا فضل الله وزیر نظام  
 در انتظام امر سرکار فیض انار قرارهای درست داده و بعضی  
 جایهای ابوان طلا و سخن و خیابان و غیره را چنانچه در روز  
 سابق نوشته شده بود در این روز با تمام سازه و سپاه  
 باصفا کرده اند و در ایام ماه مبارک رمضان بالای اجبارا  
 علاوه بر طبع مقرری سرکار فیض انار شبی بیت و پنج من  
 برنج علاوه برای فقرا و غریب طبع نموده اند

دیگر نوشته اند عالیجاه میرزا مصطفی قلیخان چون در انجام  
 یوانی در رسیدن محاملات و محاسبات و انتظام امور  
 انکاخ انجام و اخی معمول داشته بودند نواب فرزند شاهزاده

مورد التفات نموده یکشوب جبه ترمه با و خلف داده اند  
 و مشارالیه نیز هر روزه از باب تخریر آوردن فرسوح کرده  
 مشغول محاسبات و محاملات انولایت و زندان جیره  
 موجب نوکر مستحبات و لایمی پاش

دیگر نوشته بودند که نواب فرزند فرزند اوقات محراب  
 اوق در بند حاجی محمد رضای شاد و لورار وانه نموده بودند که  
 رفته سواره و پیاده و خانوار هزاره را آنچه سابقا بشهر  
 آمده بودند و آنچه این اوقات آمده اند انسان دیده و راه  
 جام و با خزر و خوف و کار نیز راهم رسیدگی نماید  
 رفته رسیدگی با مورات انجام نموده و ده دوازده نفر از  
 خوانین و رئیس سفیدان هزاره را همسر او خود خدمت  
 شاهزاده آورده بود نواب معری الیه اسم انکار امور و  
 نموده و بهواطف این دولت علیه امیدواری داده و عرض  
 کرده اند

فوج انصار ابوالحسینی عالیجاه مقرب انکاخان عسکرخان  
 از قرار یک نوشته اند در پنجم ماه سوال از ارض اقدس  
 آمده اند که بدر بارها بایون شاهنشاهی روانه شوند و در  
 هنگام مرخصی نواب شاهزاده یکشوب جبه ترمه دیگر  
 مقرب انکاخان عسکرخان و یک ریس اسب و یک طاقه  
 ترمه بجایگاه پسران سرنگا داده اند

دیگر نوشته اند که قشونی که از مردم اجبت کرده بودند  
 شاهزاده حکم کرده اند که لشکر نویسان سان انهارا  
 بدقت رسیده و مشخص نمایند که درین سفر غایب و فراری  
 نوکر مژبور چند بوده تا بعد از سان در رسیدگی موجب  
 آنها داده شود

دیگر نوشته بودند که شخص مشدی در کارخانه خود سنگ  
 من آب سیکرده است چهار پنج ساعت از شب رفته  
 دیده بود که دو نفر در پیش روی او ایستاده اند بجز  
 اینکه صد البته کرده بود یکی از آنها خنجر بینه او زده  
 و از کرده بودند و آن شخص بعد از آنکه مدت بهمان  
 در گذشته بود مرگت بعضی نواب شاه برادره و ابان مومنه الدوله حکم آن ملک  
 کرده بودند که قاتل را بدست بیاورند چند آنکه شخص کرده  
 تا بحال بدست نیامده است از فراری که میگفته اند زن آن  
 شخص بدعمل بوده است و رفقای او این کار کرده اند  
 دیگر نوشته بودند که روزی از جماعت اراک از ارض  
 اقدس مراجعت کرده بودند در منزل سبزو از بعد  
 هفتاد و ششاد توانان اجناس از مال حاجی علی نامی که  
 بپرقت برده بودند مشارالیه مرگت را بجا کم سبزو  
 رسانده و گفته بود که اگر مال مرگت را در طهران  
 امنای دولت علیه عرض خواهم کرد و حاکم آنجا  
 بدار و غنم و غیره نموده و الترام گرفته بود که حکام مال او را  
 پیدا نمایند بعد از آنکه روز یک منزل از سبزو ارگشته  
 بودند دار و غنم اموال او را پیدا نموده آدم ترستاده بودند  
 و او را بر کرده اند ما شناسنامه تحویل نموده و بعد آدم  
 او کرده و او را آورده بزدار محلی ساخته بودند

**فارس**

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند لطف اله نام  
 شیرازی یک ساعت بصبح مانده از منزل خود بیرون آمده  
 فنی بخارج شهر رفته بود در نیم فرسخی شهر کفاری با و برخورد  
 و بهم در او خنجر بود که کفاری او را زخمی نموده بود و مشارالیه

۱۱۷۸

سه روز دیوانه بوده و بعد از سه روز رفته است

دیگر نوشته بودند میرزا علی بن قی غلام شیخ مت از فارس  
 می آمد است در منزل ایردخواست چند نفر سوار بر سر او خنجر  
 اسباب او را برده بودند مرگت بعضی نواب فارس نموده مرگت  
 بعضی نواب سبزو شاه برادره و ابان مومنه الدوله حکم آن ملک  
 فارس رسانده بود نواب معزی ابوالعجا محمد ششم خان  
 که با پنجاه سوار بخواست آن راهها مشغول بود و خسته مؤاخذه  
 و تنبیه بلین نموده بودند و مشارالیه نیز الترام سپرده بود  
 که اموال مسروق را پیدا نموده بصاحبش تسلیم و قبض گرفته

بعضی نواب معزی الیه رسانده

و هم چنین چند وقت قبل ازین قافله تجاری از خارج شهر  
 یکبار سبزو پوست از قافله مرگت مفقود شده بود و آنده جوان  
 سوزید الدوله عرض کرده بودند حکم شد که اهل همان سرزمین که  
 بار مرگت در آنجا کم شده است پیدا نمایند یا از محمد بر آیند  
 آن محل در مقام تقصیر برآید بار مرگت را بصاحبش پیدا کرده بصاحبش

رد نموده

مهر

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند سال در آنجا مرض ابله  
 زیاد تر از سالهای دیگر بروز کرده است و لکن عمل ابله کوبی بسیار  
 اطفال و غیره فایده می بخشند آنجا که سابقا ابله کوبی شده اند ازین  
 سبب علم اند و مطلقا در آنها تاثیر نمی کند و آنها نیز که تازه ابله کوبی میشوند

از مرض زبور خلاصی می یابند

دیگر نوشته بودند اهل نظام متوقف بر دانه کوچی و سربازان  
 مشغول مشق میباشند و در کمال نظم حرکت میباشند و بیشتر از سایر  
 مردم احراز از بی نظمی و خلاف و دارند



### کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند اینت  
 و سوار و سرحدهات و دینجات استخاست با تمام  
 تفاوت کلی کرده است بطوریکه در آن ایام با جمیع کلی از  
 قوافل جمع نمی شد عبور از آن راهها می کردند و مع  
 باز در آن راهها توشیش خطر از برای عابرین بود اما درین  
 اوقات از اتهامات امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار  
 حکم ان بزد و کرمان انبستی حاصل است که دو نفر و سه نفر  
 هر وقت بخواهند با نهایت خاطر جمعی بدون توشیش  
 از آن راهها عبور می نمایند و درین روزها زوار و کاروان  
 از ارض اقدس وارد کرمان شده اند و از اینت بنابر  
 مخوف بسیار تعریف می کرده اند

دیگر نوشته بودند که هر ساله قانون الوالیت این بوده است  
 که سه ماه بعد نوروز مانده و وجه شاهی شرفی حواله می شده  
 و باین بهانه میباشند نصف مالیات آینه را می گرفته اند  
 و بقیه مالیات را هم تا سه چهار ماه از عید نوروز گذشته  
 دریافت می کرده اند و باین جهت رعایا محتاج به بیع  
 می شده اند درین سال بجهت خرابی رعیت از اقسام سرما و  
 امیرالامرا العظام سردار قدغن نموده است تا آخر ماه  
 رمضان از رعایا مطالبه مالیات و وجه شاهی شرفی ننمایند  
 و وجه شاهی شرفی را قدری خود سردار و قدری بسایر  
 از تجار و غیره قرض کرده داده اند که بجهت رعایا اسودگی  
 حاصل شود و در چهارم شوال بجهت قسط حکم به بلوکات حاد  
 شده است که مالی بلوکات بدون رفتن محصل وجه مالیات  
 قسط اول خود را تا اواخر شوال و اواسط ذیحجه آورده

### تخویل نمایند

درین اوقات پس سالار محمد سنجان بلوچ از بلوچستان  
 آمده و عرضیه جات از خوانین بلوچ نیز امیرالامرا العظام  
 سردار آورده و همگی اظهار چاکری و انقیاد این دولت  
 بنیاد کرده اند ولی مذکور بود است که از جانب امیر علم خان  
 حاکم وکیل چهاره سواری نیز در امیر علم خان ضابط و  
 میوز آمده و اخبار کرده بوده است که از آزاد خان خاراکی  
 فراهم آورده که بسردارک بیاید عالیجاه امیر علم خان نیز  
 خوانین بلوچیه را در پیوسته خواسته و نوکر را اخبار نموده بود  
 که با تدارک باشند که اگر خبر صریح برسد با جمیع خود  
 باید و امیر علم خان بروند

از جمله غرایب که در روزنامه کرمان نوشته اند درین اوقات  
 دختر بیست و سه سالگی از حومه شهر آورده بودند که با وجود  
 باکره بودن حمل داشت او را نیز جناب حاجی سید جواد امام  
 برده بودند بعد از آنکه چند نفر زنهای قابله آورده و رسیدگی کرده  
 بودند گفته بودند که باکره است و لکن حمل دارد و جماعت زنهای  
 گفته بودند که چون این دختر باکره است احتمال می رود که در وقت  
 وضع حمل تلف بشود بقضای علیای شریع او را شخص آخوند  
 عقد سینه بودند آخوند او را شب تصرف نموده و کلی بساج  
 دخترم لورده وضع حمل نموده پسری از او متولد شده بوده است  
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه شیرین پیکر گفتند که از در بازار  
 بجهت رسیدگی مسان و بواجب کوکوهی که کرمان بود در شوال بانجام  
 انسانی دولت علیه با امیرالامرا العظام سردار رسانیده بود و همچنین علی پیکر  
 نیز که محصل وجه صندوقخانه مبارک بود در ۲۹ رمضان المبارک  
 با احکام دیوانی بانجام رسیده بود

۱۱۷۹

### اخبار دول خارجی

#### انگلینس

در مملکت ریش امید که در سبب خوب  
 افریقینه باشد و حال در تصرف دولت انگلیس است  
 چند سال پیش این دولت انگلیس با شاه صحرانشین  
 جنگ داشتند و چونکه مردم مزبور در جنگها و کوهستان  
 انجا بودند تمام کردن این جنگ مشکل بود و حال جنگ انجا  
 تمام شده و آن ولایت نظم تام دارد و امورش روز بروز  
 ترقی است و چونکه امناى دولت انگلیس فهمیده اند که هرگاه  
 شورخانه در آن ولایت مانند ولایت خود انگلیس قرار بدهند  
 خیر خلق است مراتب را با پادشاه عرض کرده اند و فرمان  
 داده است که در شهر کپستان که شهر بزرگ انجات شورخانه  
 قرار بدهند که در باب امورات خودشان شورت کنند  
 و محاکم از جانب پادشاه در انجا بنشینند و احکام تصدیق  
 او تجوی باشد ولایت مزبور بسیار وسیع است و لکن چند  
 آبادی داشت چونکه شهر کپستان منزله گاه است بچه کشتیها  
 و سیاحان که از فرنگستان می آیند یا از یکی دنیا و برنگهار و  
 سحر الاحمر و مالک اطراف سحر الاحمر و آن سستهای عربستان  
 و هند و چین و مالکی که در آن دریا نامی بایمان جنبه شهر مزبور  
 رود ترقی خواهد کرد آب و هوای آن ولایت بسیار سالم و خوش  
 خیلی حال خیر است اصل اهل انجا که از اولاد فرنگی میباشند  
 که در انجا آبادی کرده اند از منس اند و از طایفه مالکند

۱۱۸۰

از انجا بجای تخت میرود و دست باغبان بود از انجه در  
 پای تخت که بزرگترین شهرهای روی زمین است بجه آذوقه  
 شکی و عسرت می کشند شهرانی که جای تردد و اهل دول حاجت  
 میباشند در سمت خوب آن ولایت واقع است و چنین که  
 پای تخت چین است در سمت شمال واقع است چونکه ولایات  
 ما من در دست باغبان است در شان و در دست خبری  
 از انجا تا رسید به بود که بولایات خارج بنویسند و لکن  
 خبری که یقین و محقق بود این بود که پادشاه چین و خوش  
 جنگ آمده بودند باغبان همه از اهل اصل خود چین میباشند  
 و لکن پادشاه و بعضی از قشون و چاکران و بوان از اهل  
 تاتارستان اند از قراریکه درین روزها جان نوشته اند  
 تا سینه همد و پنجاه عیسوی پادشاهان چین از اهل خود  
 بودند پادشاه آن ایام نیز مانند پادشاه این ایام از  
 دست باغبان آن ایام جنگ آمده و مانند این ایام امداد  
 از مغولهای تاتارستان خواسته بود جمعیت زیاد از اهل  
 تاتارستان بچین آمده و باغبان آن ولایت سکنت و اند  
 و لکن چون اهل تاتارستان بسیار مردمان شجاع و صاب  
 شمشیر بودند بخلاف اهل چین که شجاعت و رشادتی ندارند  
 اند کی طول کشید که تاتارها صاحب ولایت شدند و پاد  
 چین را که بامداد او آمده بودند از تاج و تخت انداختار سلطنت  
 بیدخل کردند و یکی از اهل خودشان سلطنت چین رسید  
 بکن را پای تخت قرار دادند و تاتار پنج هزار و سیصد و هشتاد  
 شش عیسوی در انجا سلطنت کردند باز در ان ایام از اهل  
 خود چین سلطنت آن ولایت را صاحب شدند از سلسله که اسم  
 ان سلسله جنگ بود و این سلسله تا سده هزار و شصت و هجده

#### چین

از جمله اخباری که از چین نوشته اند کویا درین اوقات  
 جنگ عظیمی بین باغبان آن ولایت و پادشاه شده باشد  
 باغبان نزدیک بیای تخت نشسته اند و راه بزرگ که آذوقه

عیوی سلطنت کرده و در آن تاریخ باز جنگی با چین  
 چین با طایفه منول تاتارستان شده بود بعد از سی سال  
 جنگ اهل تاتارستان فایز آمدند و سلطنت چین رسیدند  
 و از آن ایام که دوستی و سی و شش سال پیش ازین است  
 این سلسله که اصل آنها از تاتارستان است در چین سلطنت  
 می کنند حال باغبان از اهل چین میجو ایند پادشاه را که  
 تاتار است از تاج و تخت پندازند و او هم از تاتارستان

آمد خواست تاج پادشاه شود

احوال اصغر

از و از حساب که در شهرهای فرنگستان نگاه میدارند در  
 خصوص بیرون رفتن خلق بولایات بعید از شهر نژادون  
 مملکت انگلیس در سال گذشته با این تحصیل نوشته اند  
 که در سبت و سبت و چهار هزار و هفتصد و شصت و هفتاد نفر  
 در پانصد و هفتاد و شش کشتی شسته و بیرون رفتند  
 و اکثر آنها یا بسکی و بنای شمالی خصوصاً کلی فارسیا  
 یا پاستران رفتند اگر چه از یک شهر انگلیس انچه جمعیت  
 در یکسال بجای رود زیاد است و لکن نسبت الهای  
 کم است که در سالهای پیش بیش ازین جمعیت از اولایات  
 بیرون میرفتند

در ولایت انگلیس حیوانات وحشی و فیه سخته کاشا  
 زیاد نگاه میدارند از جمله این حیوانات که در شهرها که  
 جزو ممالک انگلیس است نگاه داشته بودند ببری بود ریاض  
 درنده اگر چه چند سال بود که او را نگاه داشته بودند  
 تا با آدم شمش گرفته بود و نزدیک رفتن با و شمش  
 زیاد داشت درین روزها ناخن این بر چنان دراز شد

بود که بگوش دست و پایش فرو نشسته بود و نمیتوانست  
 بروی دست و پا بایستد و در باب گرفتن ناخن او فکا  
 گانده بودند که چند بیره نایند طبیعی آمده تدریری نشسته  
 که از آن دو اگر جراحان به مریخ زخم دار و غیره که میخوا  
 هد هوشش نایند می کشند و نام او کلوز و فارم است بلع  
 بیره نژاد کشیدند و مد هوشش کردید بعد از آن ناخنها  
 او را گرفتند

از جمله تجارت عمده ما بین ولایت انگلیس و هندوستان  
 و یکی و نیایه است و نپه در هند وستان فراوان است  
 و لکن بعضی ازها لک چون از دریاد و درند اخراجات  
 حمل و نقل آن زیاد است نمیتوانند اکثر زراعات  
 تجارتی که پیدا شد در دست بفر و شش برسانند حال بجهت  
 راههای این درست کرده اند و مردم صنعت این راهها را  
 دیده اند سال بسال این راهها را زیاد تر خواهند کرد  
 و حاصل اولایات خوب بفر و شش خواهد رفت خصوصاً  
 از مملکت بجات که بعضی اوقات فرساده و نپه از راه  
 بولایت انگلیس ضرر میکرد و سبب اینکه از بسکی و نیایند  
 فرادان تر و از امر بولایت انگلیس وارد می شد حال که  
 راهها را و کارند در هند وستان درست بنمایند  
 مکان دارند که حاصل اولایات باستانی حمل و نقل بشود  
 و بسیار خوب پیش برود

ایضا در باب چین نوشته اند که معلوم میشود از وقتیکه  
 سلطنت چین در دست این تاتار بجات بعضی از اهل  
 چین پیوسته درین خیال بوده اند که این طایفه را از سلطنت  
 اولایات بی دخل نمایند و لکن چون زورند هستند که زور برود

۱۱۸۱

با نماند جنگ نمایند عدوت آنها پنهان بود تا  
 درین ایام که زورشان زیاد شده است بنای جنگ  
 که همیشه اندک گراهن دولت خواجه راضی باین جنگ  
 سخته اینک امید دارند که ولایت چین که ولایتی در سیستان  
 و تاجکستان و اول خارجه در آن ولایت راه داشته که  
 آن ولایت بروند بعد ازین آن ولایت نیز مانند سایر ممالک  
 روی زمین بجهت رفت آمد و داد و ستد تجار و غیره منقول  
 باشد و مانعی نداشته باشد  
**تعمیر اجناس و اهرام و محرابها**  
 کدم ساوجیلاخی یکخوار دو تومان سه هزار  
 کدم شهری یکخوار دو تومان  
 جو یکخوار دو ارده هزار  
 گاه یکخوار شش هزار  
 لوبیا یکخوار سه تومان  
 ماش یکخوار سه تومان و پنج هزار  
 عدس یکخوار دو تومان و پنج هزار  
 لک یکخوار پنج هزار  
 نخود سیسی یکخوار دو تومان و چهار هزار  
 ذغال یکخوار شانزده هزار و پنجاه  
 نان یک من ده پور  
 پوست یک من هزار دینار  
 برنج یک من ده تنی و نیم  
 گردغن یک من دو پال  
 بزم یکخوار شش هزار  
 باغلا یکخوار چهارده هزار

شع یک من دو هزار و سیصد و بیست  
 هندوانه یک من شش  
 طالبی در کک یک من پنج پول  
 خربزه یک من یک عباسی  
 باد سجان شش عدد یک پول  
 ماست یک من دو عباسی  
 پیر شور یک من یک هزار و ده پول  
 قند یک من چهار هزار و پانزده  
 نبات یک من چهار  
 شکر سفید یک من سه هزار و ده  
 دارچینی یک من یک تومان  
 بل یک من دو تومان و چهار هزار  
 میخک یک من شش هزار  
 فلفل یک من چهار هزار  
 ریشه جوز یک من دو پال  
 لیموی خشک یک من دو هزار و پانزده  
 زیره یک من دو هزار و پانزده  
 زرشک یک من دو هزار و پانزده  
 بناکوی شیرازی یک من سه هزار  
 سکنجین یک من چهار هزار  
 آب لیمو یک من دو پال  
 قهوه یک من چهار هزار و ده  
 کدو

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یوم بیست و نهم ماه رجب سنه ۱۳۲۷

نزد صد و ششاد و چهار

منطقه دارالخلافه طهران

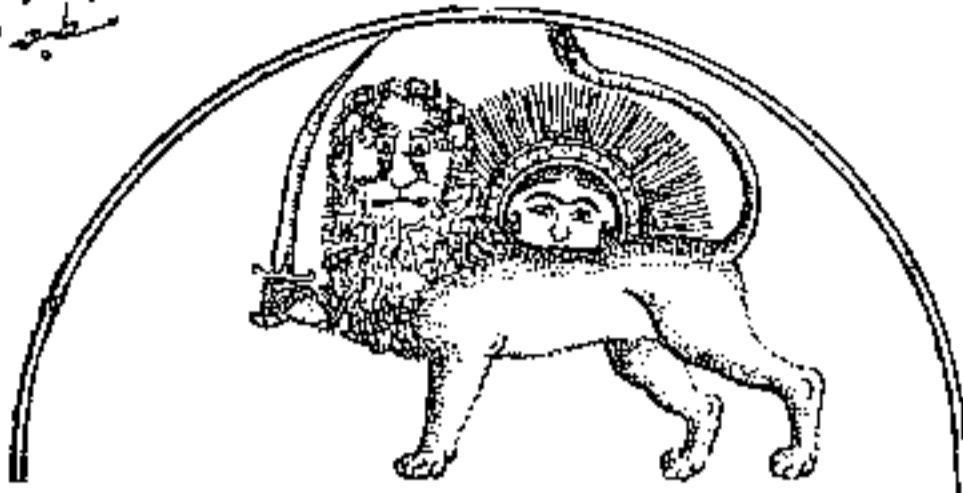
قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

یک نسخه شش ماهه هر یکسال

کلیه احوال مطبوعه  
بسیار با هر یکشنبه

در تهران و چهار هزار



## اخبار واحداثیات محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در روز شنبه که شته اعلیحضرت پادشاهی غریب شهر  
دارالخلافه فرموده و از نیاوران سوار شدند جناب  
جلالت آبد صدراعظم انجمن هم در کاب تاپون بودند  
و در روز و بیشتر نواب مستطاب شاهزاده و الایبار  
حکمران دارالخلافه طهران و توابع و سایر چاکران دیوان  
که مقرر خدمت دارالخلافه بودند شرفیاب حضور مینمودند  
خبر و انی گردیدند و اعلیحضرت پادشاهی تا عصر در  
تشریف داشتند و بعضی از عمارات مبارکه را نیز که تازه  
با تمام مقرب انخافان حاجب الدوله میسازند و بسیار  
و طرح تازه است ملاحظه فرمودند و نیز ایک غروب آفتاب  
بهارت مبارکه نیاوران مراجعت فرمودند و جناب جلالت  
صدر اعظم سجدت انجام بعضی مکات از قبیل تنظیم امر دارالخلافه  
و قورخانه و غیره شب را در شهر ماندند و کارهای مزبور را  
انجام داده روز یکشنبه را بر کاب مبارکه مجاور نمودند  
نظر بطور خدمات و کفایت و کاروانی نواب مستطاب شاهزاده  
و الایبار احشام الدوله خاندان میرزا حکمران عربستان و کرمان

و بر وجه و سختیاری و اتهاماتی که در نظم انولایات  
معمول داشته بودند خدمات نواب معززی الیه سخن و منزل  
خاطر طرکانه افتاده درین اوقات یک ثوب کلجی ترمه از  
طبوس سن مبارک برسم طاعت رحمت و طغیانه فرمان  
بافتخار نواب معززی الیه شرفصدور یافت اتفاقا که در  
و هم چنین نواب ایلیدرم میرزا نایب الحکومه لرستان که  
در انجام خدمات دیوانی و انتظام امر آن صفحات استقامت  
نموده بود یک ثوب جبهه ترمه کرمانی اعلی رحمت گردید با فرمان  
مهربان مبارک بافتخار او روانه فرمودند  
چون در این اوقات عیال نواب مستطاب شاهزاده و الایبار  
مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران فوت شده و عزاوار  
بودند اعلیحضرت پادشاهی محض رحمت موانه یک ثوب  
جبهه ترمه مخصوص بنو امیر معززی الیه التفات و افتاد فرمودند  
که بامید واری شوال انجام شد تا دیوانی باشد  
چون چند منزل از منازل عرض راه حیران حزاب و کمربند  
بود و بجهت عابرین و مترددین عسرت حاصل میشد جناب جلالت

۱۱۸۳

Handwritten signature or mark in the left margin.

صدر اعظم وجه نقدی بقدر ضرورت مصارف آنجا مصحوب  
اومی مخصوص این فرستادند که رقمه آب قنوه آنجا را از  
و منازل مزبوره را تعمیر و آباد نماید که برای عابرین عسرت  
تسهیل

نشان بجهت سواره خراسانی پنج قطعه  
بجهت خوانین بلوچ سلفه شال و قبا سه دست

عالیجاتان محمد حسن خان پسر سردار علیخان سیستانی و شاهپور خان  
و میرکمال خان درین اوقات از سیستان بدر باره جان  
آمده بودند در حوز هر یک قرار موجب شده مورد التفات  
اولیای دولت علیه گردیده مراب جهت نمود

در روز چهارشنبه ۷ این ماه صاحب جمعیان شترخانه و قاطر خان  
حسب الامر جانان شترخانه و قاطرهای سرکار را بنیاد و آن آورد  
در نزدیکی رستم آباد هم در آن دادند و یکی در کمال چاقی و دیگری  
بسیار اندکس جانان علیخوردت پادشاهی جناب جلالت تاب  
صدر اعظم رسیدند صاحب جمعیان مزبور چون قاطر و شتر را  
خوب و فربه نگاه داشته بودند مورد التفات شدند

بعضی از خوانین و اشخاصی که در قلعه کیر فارس و قلعه جستان  
خدمت کرده بودند و در حق آنها جنور التفاتی از اولیای  
دولت قاهره نشده بود درین اوقات از اینقرارت  
حق آنها رحمت گردید

در این اوقات که مرحوم شیخ خان بشیرالدوله فوت گردیده  
محمد باعلی خان پسر او در انتظام امر چاپارخانه سعی و اهتمام تمام  
چنانچه درین روزها چاپار درسی ساعت از اصفهان بطهران

عالیجاتان امیر علیخان دیزگی شمشیر براق طلا  
خوانین بلوچ شتر خانه کار و دست طلا

در روزنامه شهر نوشته بودند که در روز شنبه گذشته  
و در نزدیکی حاجی قانام تبریزی و دیگری رمضان نام  
بود و سابقا نیز زردی کرده و نسق شده بود مع ذلک از عمل زردی

از او خان خراسانی نشان نقره یاری ازیم و ویم قطعه  
ابراهیمخان ضابط پور و سر کرده جهازه سوار نشان یاری قطعه

دست برنده داشته باز مرگب سرفت شده بودند بدست مستحقین  
افتاده آنها را نیز نواب مستطاب شراوه والا تبار برود  
حکمران دار اسخلاق طهران و توابع آوردند چون بکرات از او

سید علیخان سر کرده نوکری نشان مطلقا قطعه  
بجهت فرج کرمانی ابوالجمععی عالیجاتان امیر علیخان نشان یاری قطعه  
نشان سلطانی سه قطعه نشان ناپی پنج قطعه نشان قهر

نموده بودند لهذا نواب محسنی الیه حکم بیست آنها نموده و  
در پای قاپوق بیرون دروازه بیست رسیدند  
و در سارق دیگر که مدتی در حبس بوده در روز مزبور  
و بیست گردیدند

چهل و یک قطعه  
بجهت فرج کرمانی ابوالجمععی عالیجاتان امیر علیخان نشان یاری قطعه  
نشان سلطانی دو قطعه نشان ناپی قطعه  
سایر سیزده قطعه  
نشان بجهت غلامان مهاجر هشت قطعه

دیگر نوشته اند که نواب شراوه فرار داده اند که شهباز چار

نشان بجهت توبیخی پاترود قطعه

طبل بزنند و چهار ساعت و نیم که از شب گذشت عبور و کوچها  
فرغند و ممنوع باشد و بعد از چهار ساعت و نیم از شب رفته  
فراوان و مستحظین کس را که در کوچ پستند خواه فائوس  
و است با یابی فائوسن باشد بکیرند و شبها نهایت فرا  
در محافظت شهر و محلاتین آورده اند

### سایر ولایات

افریجان از قراریکه در روزنامه این  
نوشته بودند نواب مستطاب هزاره و ابار نصره اله  
در امنیت و نظم ولایت و رفاه و آسودگی رعیت تمام  
و انی دارند که راهها امن و از قطع الطريق محفوظ باشد  
و در ولایت نسبت کبسی اجحاف و زیادتی نشود از خطبات  
بجای بقدر بیت نواز در زبان مشهور انولایت را که همیشه  
در راهها مشغول در زدی بودند گرفته و در حبس دارند  
و سوار و مستحفظ بطریق دشوار فرستاده اند که در هر جا  
دزد بپسند و سگیر نمایند و در باب مالیات ولایت  
و معاطه با رعیت نیز بهر ولایت مشهور است و العلی که روان  
و اشته اند و در قم فرستاده اند یکی خطاب به رعیت و ابا  
ولایت که در منا بر سبجه حمله نمودن بخوانند که زیاد از قرار  
بنا بد حبه و دیناری از آنها مطالبه شود و اگر حکام و مباحث  
سجواهند زیادتی نمایند مراتب را بنواب معنی الی عرض  
نمایند آنچه حاکم با مباشرینا دتی کرده باشند بالمصاعف  
از آنها استردا شود و قسمی دیگر بجا که سرو لایت بهان  
که از قرار دستور العلی اگر حبه و دیناری زیاد تر از رعیت گرفته  
باشد بالمصاعف رد نماید و علاوه بر آن مورد مواخذه دیوان

باشد و درین باب التزام نیز از حکام و مباشرین جزو گرفته  
امالی انولایت عموما ازین قرار داد راضی و شاکره و عاکوبی  
دولت علیه مستند که کسی تعدی و خلاف حساب مستند با کسی

دیگر نوشته بودند که در شش ماه قبل محکمی در حصه بنای  
افتاده بود بقدر ششصد تومان مال تجار را از آنجا برده بودند  
این اوقات با تمام مقرب انخاقان قایم مقام ساقین  
پیدا کرده همان مال بعینش استردا نموده تجار را برگرداند

دیگر نوشته بودند که آقا بابا بیک فرزند خلوت با دز با چکان  
میرفته است در کرده قیلان کوه بقدر سیصد چار صد تومان  
مال او را برده بودند مقرب انخاقان قایم مقام آدم فر  
سارق را بدست آورده اند و اموال شار الیه را تمام کمال  
استرداد و با تسلیم نموده اند

### کازندران

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته بودند نواب  
مستطاب هزاره و ابار مصطفی قلی میرزا حکمران انولایت  
سبجه انجام مقام دیوانی در شهر ساری توقف دارند و  
بیلاق زرقه اند و این روزنامه مشغول دیدن سان نو کرو  
رساندن موجب نوکرها خلو استر ابا دستند و در نظام  
امرو لایت نیز نهایت مراقبت و استقامت معمول دارند  
امالی انولایت بسبب مراقبت نواب مغزی الیه استوده خاطر  
عیار و از دستن جا یون استحال دارند

### اصفهان

در روزنامه اصفهان نوشته اند که چاه چرخ غلغله ان بکلمه در نظم و نسق  
صیغی کاریهای ابوکات درین اوقات تمام نیاید و در وجود

۱۱۸۵

در روزنامه اصفهان نوشته بودند که در قرعه سه ده انجان  
 و در قرعه راه که زندهای آنها با یکدیگر خصومت کرده بودند بسبب  
 نزاع زنها با هم مشاجره نموده و بهم در او نیجه اند بر او که چک  
 کاروی بهر او بزرگ کشیده او هم کار و راه از دستش گرفته و  
 به پهلویش فرود برده بر او که چک را مقبول نموده عالیجا چپان  
 نایب الحکومه اصفهان فرستاده قائل را آورده اند و خود  
 قائل نیز برین خود اقرار نموده است و آنان چه جوس است که موافق  
 حکم شرع مطاع بپیر یا قصاص هر چه مقرر کرد و معمول و اند

دیگر نوشته بودند که درین اوقات سخته حرکت ایلات پنجتیار  
 و قشانی فارس راه فارس اعشاش بهم رسانده بود  
 و قدری امر ال از عاجرین بزور برده بودند عالیجا نایب  
 محمد پیک غلام را با چند نفر غلام دیگر روانه کرده بود که محاکم  
 آن را هزار ناسینه تا مختار و نفر غلام دیگر تدارک دیده  
 او پسند مشا را لیه یا علما مان رفته علی اکبر خان پسر علی  
 بختیار را گرفته و اموال مسروقه بسیار از او استرداد نمود  
 از غرایب اتفاقات اینکه علی اکبر خان شب بختی قزار کرده  
 و رفته بود در نواحی محال سیم در سر چشمه آبی آب خورد  
 و در آنجا خوابیده بود همان ساعت که بخوابفته بود ما رقی  
 او را گزیده و فوراً هلاک کرده دیده بود

در منزل سوچه خورت نوشته بودند که چندی قبل ازین پاره از  
 قطاع الطریق بختیاری که در فریدن کسی دارند مالی از تجارت  
 کرده بودند مستحقین عرض راه که عالیجا چپان نایب  
 تعیین کرده بود و بجزر شده آنها را تعاقب کرده بودند تا رفته

۱۱۸۶

دزد و مال را پیدا کرده بعضی از مال را استروا کرده اند  
 و بعضی بر اهرم محصل در آنجا که داشته اند که استروا کند و بعضی

مال پسانه  
 گره جان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات  
 پسر میرزا قاسم خان لوزی که طفل بوده از چوبارک  
 فرسخ تا شده کرمان است بپهرمی آمده است و در نیمه راه بنای  
 اسب دوانی گذاشته است در بین دو بدن اسب طفل  
 خورده و یکپایش در کباب مانده و اسب هم برده است  
 همه چادر راه و بیراه دست و بلند دیده و طفل نیز بپوشیده  
 تا در نزدیکی باغات رقی آباد که بشهر نزدیک است پستاده  
 بود اشخاصی که در آنجا بودند رفته اسب را گرفته و طفل را  
 یافته بودند همان طوری که آورده جراح و طبیب حاضر کردند  
 خون او را گرفته بودند بهوش آمده معلوم شده بود با آنکه  
 صدقات که با خود خورده بوده است تقضات خداوندی  
 شامل حال او شده عیب و نقصی نگردد بود بیشتر از و روز  
 بتری نبوده صحت یافته و حال در کمال صحت و تندرستی

راه پیرو  
 مرده

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امسال افت  
 بلخ خوارکی در آنجا نیز بروز کرده بود و مرغ بلخ خوار نیز در بعضی  
 بلوکات بهم رسیده بود مغرب الخاقان محمد یوسف خان پسر  
 فرستاده از ده ساران که از توابع خرقان است آب سار  
 و بعد از آوردن آب در بعضی بلوکات آنجا سار زیاد آمده

مشغول اطاق طحند



### اخبار دول خارجی

**انگلیس** تاریخ کا عہد آخر کہ ازین ولایت سے ۲۷ رمضان المبارک بود و در ۳۱ ماہ فروردین عمارت بلور کہ دوبارہ در آنجا بر پا کردہ اند و در جالی بسیار با صفا و خوش آب و هوا نزدیک بشہ لندن با کمال نیتہ اسس کشودہ شدہ بود خود پادشاہ و پرنس البریٹ و اعیان در خانہ بانجا تشریف آوردہ بودند و زرا و جوانی مملکت نیز اکثر در آنجا بودند ایچیان دول خارجی جسمان ہمہ با لباس فاخر بانجا آمدہ بودند و دعائی سنگین چنانچہ در چندین روز قاعدہ است بر پا کردہ بودند و در آن وقت کشفکوی کہ بعضی اہل انگلیس کہ وہ بودند از جملہ کی این بود کہ بسیار جای فخر و شکر است بچند اہل انگلیس کہ دوستی و یگانگی مابین دولتین انگلیس و فرانہ درین اوقات بجا کمال سالہای سال بود کہ این دو دولت با ہم عدوت داشتند و بعضی اوقات ہم چہ در ایام قدیم و چہ در این ایام آخرہ جنگہای سخت شدہ است و الحق فرانہ در جنگہا کمال غیرت و رشادت و مردانگی اثبات کردہ اند و امیدواریم چنانچہ در ایام نہایت جنگ و دشمنی قائم بود درین ایام موحدت و دوستی و موودت بہمان استحکام و سختی باشد و چنانچہ سخت و غیرت و زلف مکرر در جنگہا معلوم شدہ است امیدواریم کہ در دوستی نیز معلوم شود و چونکہ خیر ہر دو مملکت در این ایام یگانگی است امیدواریم کہ دایمہ قائم باشد چنانچہ درین وقتہای دول کہ بچہ افتتاح عمارت بلور از بہر دولت نامور و در ان مجلس حضور داشتند ہر یک از جانب دولت خود با ظہار و جفا و خورسندی مبادرت نمودہ بودند و از جانب انہا لگاتار

وکیل فرانہ با اہل مجلس مزبور گفتگو مابین بر موافقت اقدام نمودہ بود  
 بتاریخ ۱۰ ماہ مبارک رمضان پادشاہ پور تو قال وارد سوٹ ہمسٹان کہ اول خاک انگلیس و در کنار دریا واقع است شدہ بود و در آنجا کال سکما و چاکران علیا حضرت پادشاہ انگلیس حاضر بودند کہ پادشاہ پور تو قال از آنجا با کمال عزت و احترام بہارت پادشاہی بہر برادر کوچک او نیز ہمراہ و بنا دار تا چند ماہ در فرنگستان سیاحت کن و چہ روز یاد و ماہ از پانیز رفتہ بولایت خود مراجعت نماید از مملکت انگلیس بنا دار و بشہ بریتانیا پای تخت مملکت برود و از آنجا پاریس پای تخت فرانہ و از آنجا بوینہ پای تخت اسپینہ و از آنجا بہ بعضی پای تختہای دول کہ یک فرنگستان نیز توفرت پادشاہ مزبور و برادرش ہرز و جوان اند و ہر یک انہا تشریف آید است کمال تعجب دارد کہ با صغر سن بسیار قابلند و چندین زبان از دول خارجی غیر از زبان خود میدانند و تکلم مینمایند و در افتتاح عمارت بلور لندن نیز پادشاہ انگلیس در ان مجلس تشریف داشتند  
 وزرای دولت انگلیس جزئی تغییر و تبدیل در میان شدہ است و تاریخ ۱۰ رمضان پادشاہ ہمہ وزراء را بچہر خواستہ بود و ہر یک یوکل کہ سابقا وزیر ممالک خارجی انگلیس کہ در تصرف دولت انگلیس است ازین منصب معزول شدہ و ہر مانی کہ مخصوص این منصب است در خدمت پادشاہ گذاشتہ و منصب وزیر جنگ منصوب کردید و سر جارج کیرنی بجای مشاریہ وزیر ممالک خارج کہ تاریخ و در تصرف دولت انگلیس است اقبیس سٹون غیرہ کردید و لار و جان سٹیل پیر وزیر کردید منصب وزیر جنگ در

ولایت انجلس مدنی متروک بود حالا باز دو باره برقرار شد

اعلا حضرت امپراطور بر داشته شده و اهل مشورتخانه عرض کردید که بجای خودشان بروند کل وزارت آن مجلس

کامینه نویی که زوج لوی طیب پادشاه سابق فرانسه بود درین اوقات بیدن علیا حضرت پادشاه انجلس آمد

حاضر بوده اند و امپراطور نسبت باهل مشورتخانه فرمایند گفتند بودند از قبیل اینکه کوشش سعی وزارت در خدمت است باعث خیر عامه حسن خلق فرانسه است

پیش از آنکه پادشاه بشارت ویتزارت شرف بزند و علیا حضرت پادشاه انجلس با پادشاه پورتو قال و سایر

نبادارند درین مملکت چهار اردو و حجه مشق بر پانمانند و اکثر قشون که در این اردو مامین میشوند قشون پیاده خواهند بود

عنان عظیم از شاهراه کان فرنگستان که درین ایام بهمانی پادشاه انجلس آمد اند با اساس لافه که متداول

و در هر اردو فی دوازده هزار قشون پیاده جمع نمایند و اینها رستت شال مملکت فرانسه جمع خواهند شد و و عدده

این دولت است اسب و دانی اسکات که نزدیک بشر لذت رفته بودند

قشون مزبور در پانزدهم ماه ژولیه که مطابق نو زدیم سوال است خواهد بود

دولت انجلس خبر کرده اند که سجد و چهل هفت هزار تنگ از برای دولت لازم است هر س میلسی باشد که این معافه

درین روزها امیرال بودن نام که یکی از سرکردگان مشهور قشون بحری فرانسه بود فوت شده است و دو پسر دارد که

بکنه خبر نماید که این تفکهار از چه قرار میفرستد و در چه مدت تحویل می کند و تنگها که خواسته اند باین تفصیل است

یکی نایب المچی فرانسه مقیم لندن است سر کرده مزبور معناد سال از عمرش گذشته بود و اول خدمات او پنجاه و پنج

سجده سرباز قشون کبابی ۱۵۰۰۰۰  
سجده توپخانه ۰۱۴۰۰۰

سال پیش ازین بود که بیکر اده کشتی بود و چون که در جنگ آن ایام رشادت کرده بود روزی که در آن جنگهای

سجده قشون ردیف خلوی و لا که پنج نیر ۱۰۰۰۰۰  
سجده قشون متهی خور خانی که حال او با مجاهد لایب قرار شد ۰۱۴۰۰۰

آن ایام بود و صاحب منصب قدیم لژان داز بود و درین ایام نشان لژان داز از مرتبه اعلی نیر با و داده بودند

سجده کشیکیان سمرهات کنار دریا ۰۱۴۰۰۰  
سجده سربازان روی کشتی ۰۱۲۰۰۰

در میان دولت فرانسه و روسیه جنگی دنیا گفتگوی خواهد در خصوص که ارشی که در سنت فرنگو که شهری از کلی خایر

سایر قشون بحری ۰۳۰۰۰۰۰  
سجده قشون خلوی باین انجلس ۰۰۶۰۰۰  
سجده سربازان انجلس در استنهای کروییا ۰۰۵۰۰۰

بسیار اتفاق افتاده است موسیو ولان نامی قونسل دولت فرانسه مقیم سنت فرنگو از خصوص مافه بشاه است

۰۳۴۷۰۰۰  
فرانسه  
در مقام مبارک بمصان مجلس مشورتخانه فرانسه حکم

طلبیده بودند مشارالیه غیرت تا دیده بود که انسانی دولت

آنجا میخوابند و راجه کس نمایند و بزور او را بدو استخوان آورد  
 بود او هم بدو دولت خود را پانگ کشید بود و او را  
 رجوع بدولت خود کرده بود اکثر روز نامه نویسان خود  
 دولت پیشی و نیای شمالی درین روزها طعن و طعنه  
 بجا کران دیوانی و حاکم سنت فرنگی می کنند و میگویند  
 کاری کرده اند که خلاف قاعده دولت است در اینکه توسل  
 مزبور را بزور بدو استخوان خودشان آورده اند درین خصوص  
 گفتگونی مابین المچی فرانس معتم و امین تن و وزرای دولت  
 یکی نیای شمالی شده است و از اینکه وزرای یکی نیای  
 تقصیر اهل سنت فرنگی را بگردن گرفته بودند امید داشتند  
 که این گفتگو را بزه دی تمام نمایند و چندان طول نکشد

درین ملک کیشان میخوانند حکم صادر نمایند که در روز  
 یکشنبه چونکه روز عبادت است این عینو است در آن روز یکس  
 پذیرد از دور سر این مطلب گفتگوی زیاد شده بود اکثر مردم  
 قرار اسپد نکرده بودند بجهت اینکه طالب آزادی بودند و میخواستند  
 که احتیاج مردم باید در دست خودشان باشد که در روز  
 یکشنبه بخواهند مشغول شغل و کار باشند یا مشغول عبادت

در آخر بهار و اول تابستان در مملکت فرانسه بارندگی زیاد  
 شده بود و نسبت نفوس بسیار سرد گردیده بود و بسیار  
 از مردم آنجا ناخوش بودند برض ناخوشی سینه و تب محرقه

مطبقة و عنبره

**یستکی و نیای شمالی**

در روزنامه نیومارک نوشته اند که مردم در آنجا با خیال  
 رفتن بجزیره کوبه را داشتند و روزنامه نویسان آنجا طعن  
 علت بدولت خودشان میکردند بجهت اینکه نظام سختی مکه داشتند  
 که مردم معتقد و اشرار را که از آن جزیره کوبه بروند که باعث  
 گفتگوی دولتمندان بکسب جنگ و نزاع میشود

در شهر باستان مملکت مزبور هر مسجود کی اتفاق افتاد  
 بود و در خصوص اینکه غلامی که بجهت بود حسب القاعده که دارند مسجود  
 دوباره بگیرند و حبس کنند و بدست صاحبش بمانند  
 اگر چه قانون ولایت بود اما خلاف رای اهل آنجاست که

طالب آزادی کل غلام و کنیز سیاه چنان  
**سایر مالک فرنگستان**

از مملکت بعد از نوشته اند که باز گفتگونی مابین کیشان اولاد  
 بزرگ آنجا در میان بود حکم آن آن مملکت میخواهد بدخل

مردمان شهر پاریس اکثرشان بجهت تابستان که هوا در بلوکا  
 فرانسه در آن فصل بحال صفا دارد از پای تخت بدست  
 و بلوکات آن مملکت رفته بودند و امپراطور فرانسه با نش  
 بیرون رفته و ببارت سنت کلور رفته بودند و امپ  
 انگلیس معتم فرانسه بنا داشت که ضیافت شکرین نماید  
 امپراطور فرانسه را با زوجش همانی بکند تا آن همانی  
 که المچی فرانسه در لندن بجهت پادشاه انگلیس نموده بود

اسب دوانی که سال بسال در شش طلی نزد کیسای تحت  
 فرانسه میکردند درین سال نیز کرده بودند و لکن چونکه در آنوقت  
 باریش ربا و آه بود مردم کم بجهت کاش آمده بودند  
 اهل بود و اسبها با اشکال میرفتند و آن اسبها که پرز  
 هم بودند پیش آمدند

۱۱۸۹

در امر دین و کشیشان بکند و بعضی مردم چون غیرت دین  
 دارند طرف کشیشان را میگیرند جزئی برسم خود را با  
 جهت در آن ولایت شده بود و لکن زود نظام در آوردند و کشیشان  
 که مدد که علیط بشود کشیشان امداد از دولت استریه خواسته  
 بودند و بعضی مردم بکمان داشتند که دولت استریه با آنها  
 امداد بکند و لکن دولت استریه هیچ باین امر دخل و تصرف  
 بود و جواب داده بود دولت پر و بس هم میخواستند  
 و میبایستی کری بختند و لکن حکم آن مملکت بعد قبول نکردند  
 و این گفتگو را قرار گذاشته بودند که در میان خودشان بکنند  
 و زوان در ربای یونان درین روزها زیاد شده اند اگر  
 بعضی کشتیهای دولتی بعضی کشتیهای وزوان را توقیف  
 و شکسته و غرق کرده اند و خود وزوان را بقیه کرده اند  
 باز موقوف شده است بعضی از مقصدین به عمل فرنگستان  
 نیز با آنجا میروند و شهر یک محل در زوان یونان می شوند و  
 کفلی کشتیها و مال تجار قی میرسانند و درین خصوص گفتگویی  
 ما بین ایچی فرانس و پادشاه پیدا شده است چونکه معلوم  
 گردیده است که بسیاری از رعایای او بان ولایت رفته و  
 مشغول این عمل سرفقت شده اند غیر از کشتیهای انجلیس و  
 عثمانیه که در آنجا بجهت تنبیه سارقین و محافظت کشتیهای  
 تجاری خودشان کشت می کنند از دولت استریه نیز  
 کشتی در آنجاست و درین روزها صاحب انجلیس دولت فرانس  
 یک کشتی از جانب پادشاه پیدا شده است آن طرف رفته  
 و لکن از قرار یک در روزنامه اسلامبول می نویسند که  
 کامل از وزوان مرز پور نشود از آن محل به چوون دست نخواهند

۱۱۹۰

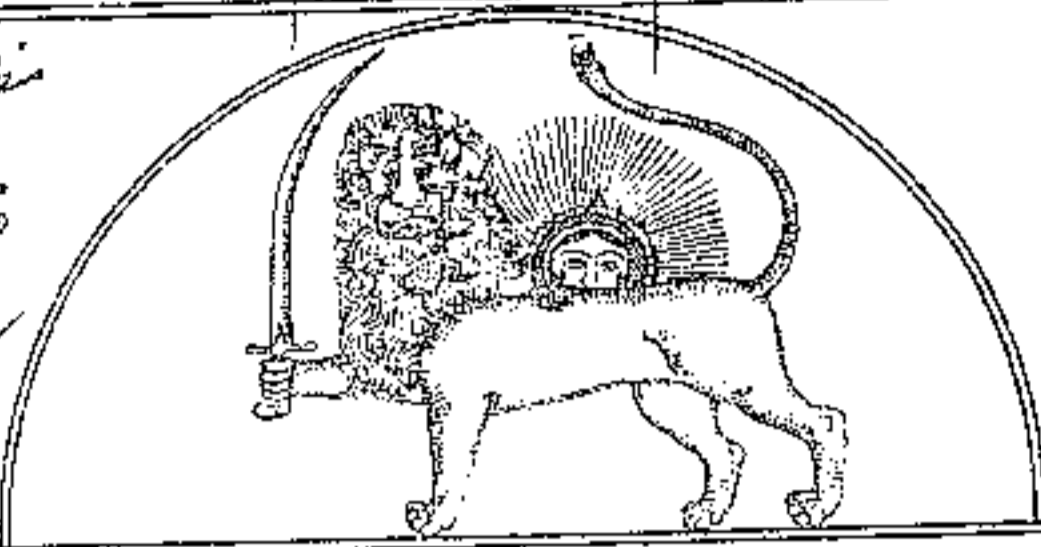
میگویند گفتگویی که ما بین دولت استریه و دولت کوکلیس  
 شده بود که ماند است که درین روزها با صلاح بگذرد و کشیشان  
 استریه را که روی بلوگ کشین گذاشته بودند قرار بود  
 که از آنجا برود از دولت سویس متعهد شده است که چهر  
 هزاری از دولت استریه در خاک خود شش باشد مادام که  
 آنجا هستند نگذارند که مشغول افتد و باشند یکی از خواستهای  
 دولت استریه این بود که فراریهای مرز پور را از آنجا بیرون  
 بکنند و لکن دولت سویس این مرحله را قبول کرده بود  
 چونکه خلاف قانون و منافی غیرت خود میدانستند که آنجا  
 که با قزلباش پناه آورده اند از آنجا بیرون نمانند اما متعهد  
 شده اند که وقت بوقت در وعده معین اسامی آنجا می آید که از  
 استریه فرار کرده و بملکت سویس پناه آورده اند بدولت استریه  
 گفتگوی دیگر که داشته اند در باب کشیشان مذکور که دولت  
 سویس آنها را از خاک خود بیرون کرده بود دولت استریه  
 کرده بود که کشیشان مرز پور ازین مراجعت با قزلباش  
 این مطلب قبول نشده است و بعضی گفتگوهای دیگر که شده است به خاطر در میان

چشمه

در روزنامه کلکته نوشته اند که بنا دارند در آنجا بنا کنند  
 اهل دولت انجلیس اعم از اهل خود ایس یا اهل هندوستان که در حکومت  
 انجلیس است چند نفر از اعیان انجلیس و هندوستان بشیر است این بشیر را  
 میخوانند راجا او را اندو کم میخوانند و دولت انجلیس فرانس  
 تخمیناً شصت و پنج نفر از اهل انجلیس که صد و هفتاد نفر از اهل برن با برود کرده  
 و سالی ده هزار پوند نیز که است و ده هزار تومان با مخارج  
 سایر طرفه های آنجا آورده اند

روزنامه قایم اتفاق و تاریخ و روز شنبه و دویم ماه و یقعد الحرام طایف سال باستان

نزد صد و ششاد و پنج  
قیمت روزنامه  
یک نسخه در شهر یک  
و تان و چهار هزار



منطقه دارا خلف طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط از چهار خط یک هزار و سیصد  
بیشتر با هر خط پنج

اخبار و چند مالک محروم و پادشاه

دارا خلف و طهران

درین اوقات اعلیحضرت پادشاهی عزیمت تفریح افجه که  
میلاق خوب و متعلق بجناب جلالت آب صدر عظیم است  
فرموده در روز یک شنبه بیستم نیا ماه چهار ساعت  
مانده از نیاوران حرکت فرمودند آتش را در کنار جا  
توقف و روز و شب در فرمای افجه شدند و قیام نمودند  
این اوقات حسب امر اقدس اعلیحضرت شاهنشاهی حضرت  
که اسلحه و آلات حربیه که از سلاطین قدیم انار اقله بر این  
خرانه دولت علیه ایران بوده است و آنچه درین عهد  
علاوه داخل خرانه عامه گردیده است از قبیل لشکریهای  
رومی و فرنگی که اغلب منگول و براق طلاست و طلا پنجه  
فرامینای محل است و ان قدیم و شمیر که از اینهای نامی که  
بعضی از آنها با التمام منگول و بعضی مرتجع تمام براق با تیغهای  
هندی و مصری و خراسانی و قدارهای بی نظیر که مانند آنها  
روی زمین کمتر هم میرسد و زرههای مخصوص و کلاه خود  
و چهار آینه و قوچاقهای جوهری که اغلب آنها نایب و نادر  
ست و همین با تکمین بوده است و سپرهای مرتجع و کرک و غیره

و کرزهای دانه شان و تبر زینهای بخصوص و غیر ذلک  
آلات حرب که تا بحال در محل معین معلوم مجموع و در آن  
بود اطاقی مخصوص این اسباب ساخته و با کمال نظم و آرا  
حرب در آنجا چیده شود کار گذاران ایران حسب حکم  
اطاق مزبور را بوضع خاصی که مناسب و موافق این کار  
مراتب و کتبیها و خانها بوده باشد در یکی از عمارت مبارک  
سجده انجام دادند و جمیع ادوات جنگ را بعد از پاک  
و مرمت شکستگیا که در عهد سابقه هم رسیده بود  
آن اطاق چندند و بعضی نظر انوار اقدس بایون شاهنشاهی  
رسید کمال تحسین افزونند

و همچنین حکم بایون شرف نفاذ یافت که کتب و مرقعات  
خرانه مبارک از قبیل قرآنها و کتب خطوط خوش نویسان  
معروف هر دیار و ادعیه و صحف و کتبهای مخزون از  
برعلی و کتب تواریخ و سیر و و اوین شعرای قدیم و غیره  
که غالباً آنها خط ملا علی الدین تبریزی و میرعماد میرزا رضا  
و عبدالرشید و میرعلی و سایر استادان مستعملین نویسنده

۱۱۹۱

دور و پیش عبدالمجید و غیره بودند با مرقات خطوط  
استادان هر خط که مشغول و مانند در روزگارند  
از قبیل میرزا احمد نیریزی و آقا ابراهیم و غیره  
از مشفقین و متماخرین در کتابخانه علیخده مخصوصی  
چیده شود کارکنان دیوان همایون اطاعتی در نهاد  
استیاز که همه مقرنس آینه طلا و لاجورد و بوضوح  
بوده باشد ساخته و کتب و مرقات خزان  
در کمال آرایش و ترتیب در آنجا چیده و سمبک  
پذیرفت و بظن همایون رسیده و موقع قبول یا

درین اوقات علیحضرت قوی شوکت پادشاهی  
جناب جلالت آفتاب صدر اعظم افخم ارشاد میرزا  
والفاب مخصوص محترم آن که بزبان فرانسه  
مرحمت فرمودند

بلا حفظ اخباری که در سنو او با ضمیمه بتواتر با ولایت  
دولت علیته از اعتناش طرق و شوارع و طغیان  
قطاع الطریق اعراب و غیره در راه عتبات عالیات  
رسیده بود چندی بحکم همایون رفیق زوار با ما  
مشرفه موقوف بود این اوقات بنا با اخباری که  
با ولایتی دولت علیته رسید بجهت طرق و شوارع  
بجالت نظام برشته و متن سارق و قطاع الطریق  
سیمت ایظاف پذیرفته است و نظم کامل در آن  
صفحات حاصل و جان و مال زوار محفوظ و مأمون  
خواهد بود و با اطمینان مکن است که عتبات عالیات  
رغم معاودت نمانند لکن از جانب سنی انجام

همایون آقا سس شاهنشاهی بجموع معتقد و رعایای  
دولت علیته اذن و اجازه داده شد که بمسکن خود  
بی اذن مخصوص هر وقت از اوقات که بخواهند روان  
عتبات عالیات شوند اما حکم اولیای دولت  
این است که بی تذکره عبور و مرور از خاک دولت  
پا بیرون نگذارند و در کرمانشاهان از مباشرین این  
دولت علیته تذکره گرفت با حالت نظام  
معاودت نمایند

عایله امیرزا مصطفی خان که سابقا مباشر مهمام  
خارجه آذربایجان بود و حسب الامر احضار برکاب  
مبارک شده بود مورد تقدسات ملوکانه آمده  
باعطای خلعت آفتاب طلعت مفتخر گردیده مرخص  
گای شده که چندی با نصب باطکارهای متعلقه مخصوصه  
حوزا اقدام نموده بر حسب احضار اولیای دولت علیته  
بهنگام رجوع خدمت برکاب مبارک مشرفیاب شود

امور است و از اختلاف طهران و رکال نظام است  
نواب مستطاب شاهزاده و الا بتبارار د شیر میرزا  
حکمران دارالخلافه طهران و توابع مراقبت تمام دارند  
اینکه سرفقت و خلاف قاعده اتفاق نیفتد و سایر  
چاکران طهر خدمت و از اختلاف بر یک در انجام ضما  
مرجوعه بجزو نهایت سعی و استقامت را دارند و در حفظ  
حراست شهر و محلات بسیار مراقب اند از اوضاع قاهره  
موقوف و از اختلاف بقرار استمرار از توپچی و سایر  
مشغول مشغول میباشند